

چین و خاورمیانه نوین: امکان و امتناع نظم نوین منطقه‌ای

علی دهقان - دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
دکتر فریبرز ارغوانی پیرسلامی* - دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

چکیده

اخیراً رفتارهای چین در منطقه خاورمیانه مسئله چگونگی براندازی نظم غربی-آمریکایی و زایش احتمالی یک نظم منطقه‌ای-چینی را در صدر گفت‌وگوها قرار داده است. این نوشتار با اتکا بر روش تحلیلی-اکتشافی و کاربست مدل مفهومی نظم‌های منطقه‌ای در پرتو نگرش‌های محیطی به این پرسش اساسی پاسخ می‌دهد که چه امکان‌ها و موانعی برای چین در شکل‌دادن به نظم منطقه‌ای نوین در خاورمیانه وجود دارد؟ ما استدلال می‌کنیم که محورهای امکان‌پسند جهت شکل‌دهی به نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه به ترتیب و غالباً در سطوح ژئواکونومیک و ژئوکالچر قرار دارند و اهم محورهای امتناع نیز در سطح ژئوپلیتیک قابل تبیین‌اند. همچنین نشان می‌دهیم که نقطه قوت حضور چین در خاورمیانه در سطح ژئواکونومیک و ژئوکالچر متأثر از وجود ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی نظیر ادغام اقتصاد خاورمیانه در اقتصاد چین و توسعه نفوذ فرهنگی در پرتو خود برندسازی است و پاشنه آشیل آن نیز در سطح ژئوپلیتیک متأثر عوامل داخلی و منطقه‌ای نظیر افراط در اصرار بر اصل عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها و سندرم سواری مجانی در حاشیه معماری امنیتی غربی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: چین، خاورمیانه، شی جین پینگ، قدرت نرم، نظم منطقه‌ای، ژئوپلیتیک.

۱. مقدمه

تفوق و استیلا بر منطقه خاورمیانه در مهم‌ترین برهه‌های تاریخی نقطه کانونی سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ بوده است. در دوران جنگ سرد؛ رقابت دو بلوک قدرت در غرب و شرق، خاورمیانه را در میان منازعات شرقی - غربی قرار داد. فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و زایش دوران تک‌قطبی به رهبری ایالات متحده آمریکا بیش از هر زمان دیگری ساخت سیاسی-اقتصادی و حتی فرهنگی منطقه را دگرگون کرد. ردپای قدرت‌های غربی و روسیه به‌عنوان یک قدرت شرقی در این منطقه همواره با استعمار عریان، زور و مداخله نظامی به تصویر کشیده شده است. اما با آغاز هزاره جدید و تحول در ماهیت قدرت و آغاز فرایند انتقال قدرت از غرب به شرق در خلال نظم در حال گذار جهانی؛ قدرت‌های بزرگ و نوظهوری در ابر منطقه آسیا سر برآورده‌اند که درصدد افزایش نفوذ و حضور خود در منطقه خاورمیانه اما این بار با نگرش‌ها و ابزارهای غیر غربی هستند.

چین ازجمله مهم‌ترین کنشگران نوظهوری است که از دهه‌های اخیر و مشخصاً از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا به اکنون درصدد تعقیب منافع متعدد خویش در منطقه خاورمیانه برآمده است. این قدرت نوظهور علی‌رغم عدم برخورداری از سابقه استعماری در منطقه متأثر از رقابت فزاینده با ایالات متحده آمریکا، نیاز روزافزون به منابع هیدروکربنی کشورهای نفت‌خیز جهت امنیت و استمرار رشد اقتصادی، بازارهای مصرفی متعدد و پاره‌ای دیگر از فرصت‌ها و منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی در تلاش بوده است که نفوذ خود در خاورمیانه را تثبیت کند. در واقعیت امر امروزه پکن به عنوان قدرت بزرگ اقتصادی بدیل اصلی جایگزینی آمریکا در نظم اقتصادی و سیاسی جهان است (Fathi and et al, 2021:192). این تلاش‌ها با اتخاذ سیاست خارجی منحصربه‌فرد با ابزارهای متنوع در سطوح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر صورت پذیرفته است. با این حال ماهیت برخی چالش‌های ژئوپلیتیک نظیر حضور نظامی و امنیتی کم‌رنگ متأثر از استمرار معماری امنیتی آمریکایی و برخی عوامل منطقه‌ای و داخلی ازجمله مهم‌ترین محدودیت‌های چین جهت براندازی نظم فعلی و ایجاد نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه است.

با درک این تحولات و لزوم تبیین روندها و دلایل، این پژوهش ضمن بهره‌گیری از روش تحلیلی - اکتشافی و کاربست مدل مفهومی نظم‌های منطقه‌ای در پرتو نگرش‌های محیطی درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که چه امکان‌ها و موانعی برای چین در شکل‌دادن به نظم منطقه‌ای نوین در خاورمیانه وجود دارد؟ استدلال این مقاله بر این اساس است که محورهای امکان پکن جهت شکل‌دهی به نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه به ترتیب و غالباً در سطوح ژئواکونومیک و ژئوکالچر قرار دارند و مهم‌ترین محورهای امتناع نیز در سطح ژئوپلیتیک قابل تبیین‌اند.

مقاله حاضر جهت آزمودن فرضیه کانونی خویش در گام نخست مدل مفهومی نظم‌های منطقه‌ای در پرتو نگرش محیطی را به‌عنوان چارچوب نظری تبیین خواهد کرد. در گام دوم سیاست خاورمیانه‌ای چین را در گذر زمان و با تأکید بر دوران پیش و پس از جنگ سرد توصیف می‌کند. در گام سوم طی مطالعه‌ای اکتشافی امکان‌ها و ابزارهای تعامل چین در پرتو نگرش محیطی نسبت به منطقه خاورمیانه را در سه سطح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر کنکاش خواهد کرد. در گام چهارم نیز اساسی‌ترین محورهای امتناع و چالش‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر پکن در مسیر تولد نظم نوین منطقه‌ای در خاورمیانه را تبیین می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

خیزش یا بازگشت چین به خاورمیانه و کم‌وکیف آن مدت‌هاست که دغدغه محققین و نویسندگان بنامی است که در این عرصه قلم می‌زنند. از این‌رو بایسته است چندین اثر ارزنده اعم از مقاله و کتاب که از سوی این نویسندگان منتشر شده است را بررسی کرد. داوون سی. مورفی (۲۰۲۲) در کتاب ظهور چین در جنوب جهانی؛ خاورمیانه، جنوب آفریقا و نظم جهانی جایگزین بیجینگ استدلال می‌کند که اگرچه چین به دنبال تغییر توزیع قلمرو و قدرت بین‌المللی در خاورمیانه نیست اما با افزایش قدرت پکن به‌طور فزاینده‌ای با آمریکا و سایر قدرت‌های غربی رقابت می‌کند. مورفی معتقد است چین خواسته یا ناخواسته با ابزارهای منحصربه‌فرد سیاست خارجی خود نظیر انعقاد مشارکت‌های استراتژیک با قدرت‌های منطقه‌ای

و ابتکار یک کمر بند و یک راه در حال ایجاد یک نظم منطقه‌ای و بین‌المللی جایگزین و غالباً متناقض با نظم فعلی لیبرال غربی-آمریکایی در منطقه است.

وو بینگ بینگ (۲۰۲۱) در مقاله خویش با عنوان «چین و خاورمیانه نوین» معتقد است محیط آشوب‌زده، رقابت‌های ژئواستراتژیک و صف کشی درون‌گروهی و برون‌گروهی تعداد زیادی از کنشگران قدرتمند منطقه‌ای عرب و غیرعرب نظیر ایران، ترکیه، اسرائیل، عربستان، قطر و امارات در مصاف با یکدیگر منافع چین را متأثر کرده است. وی معتقد است که علی‌رغم عدم تمایل چین جهت تغییر عناصر اساسی سیاست خارجی فعلی خود در منطقه مانند اصل عدم مداخله؛ تحولات پیرامونی و افزایش روزافزون منافع چین نظیر ابتکار یک کمر بند و یک راه در منطقه در نهایت زمینه تغییر سیاست خارجی فعلی چین در راستای افزایش حضور و تغییر اصولی چون عدم مداخله را فراهم خواهد کرد.

جیمز ام دورسی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «چین و خاورمیانه: سرمایه‌گذاری در گرداب» معتقد است که اصول اساسی سیاست خارجی چین مانند اصل عدم مداخله دیر یا زود در تعارض با مسئله تأمین منافع روبه‌رشد چین در خاورمیانه قرار خواهد گرفت. از این‌رو افزایش روزافزون منافع چین در منطقه مانند ابتکار یک کمر بند و راه، ضرورت استمرار توسعه داخلی در پرتو آشوب و ناآرامی‌های روزافزون منطقه؛ نیاز چین به حفاظت از منافع خود در منطقه را افزایش داده و در نهایت چین را در وضعیتی قرار خواهد داد که به ناچار برخلاف اصول مسالمت‌آمیز سیاست خارجی خود کیفیت و کمیت حضور خود در خاورمیانه را تغییر بدهد.

نوشتار حاضر از سه جهت با آثار فوق و سایر پژوهش‌های صورت گرفته متفاوت است؛ نخست ظرفیت‌ها و امکان‌های نگرش محیطی چین نسبت به منطقه خاورمیانه را در سطوح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر کنکاش کرده و در گام دوم ضمن دسته‌بندی و تمایز نهادن میان ظرفیت‌ها در هر سطح؛ در مطالعه‌ای اکتشافی، محورهای امتناع و چالش‌های پکن در این سطوح را تبیین می‌کند. در نهایت امر نیز با نیل به دو هدف فوق؛ چشم‌اندازی از نقش احتمالی چین در تکوین نظم منطقه‌ای احتمالی آینده در خاورمیانه ارائه خواهد کرد.

۳. چهارچوب مفهومی

۳-۱. نظم‌های منطقه‌ای در پرتو نگرش‌های محیطی

نظم‌های منطقه‌ای مهم‌ترین واحدهای تابعه در پرتو نگرش‌های محیطی‌اند. نظم منطقه‌ای را می‌توان سازماندهی الگوهای رفتاری میان واحدها و کنشگران موجود در یک منطقه تعریف کرد که در نتیجه آن هدف‌های سامانه منطقه‌ای محقق شود (Aghai and Taheri, 2016: 255). منظور از نگرش‌های محیطی نیز شبکه‌های تابع در محیط بین‌المللی و منطقه‌ای است که شامل محیط‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر می‌شوند و از پیوندهای کارکردی، ارتباطی و محیطی برخوردارند (Ghasemi, 2007). برای تعیین و تعریف مناطق نیز؛ تحلیل‌گران غالباً معیارهایی نظیر مجاورت و نزدیکی جغرافیایی اعضا، خودآگاهی اعضا از اینکه آن‌ها یک منطقه را تشکیل داده و درجه بالایی از قرابت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ذکر کرده‌اند (Morgan, 2002: 47). بر این اساس تولد یک نظم منطقه‌ای حاصل ارتباط و پیوند کارکردی- میان محیط سه‌گانه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر در یک منطقه مشخص است. با این حال در دوران جنگ سرد نظم‌های منطقه‌ای بیش از آنکه در پرتو پیوند محیطی در مناطق میان محیط‌های سه‌گانه فوق شکل بگیرند؛ بر مبنای قطبیت و قواعد حکم‌فرما بر آن در سطح نظم بین‌المللی تعریف می‌شدند. به عنوان مثال رقابت‌های دو ابرقدرت در منطقه خاورمیانه بر سر تصاحب منافع در دوران جنگ سرد با محوریت اختلاف‌های ایدئولوژیک و رقابت‌های امنیتی - نظامی موجب حل‌شدگی مناطق در کانون نظم بین‌المللی دوقطبی شد. قطبیت و قواعد حکم‌فرما بر آن؛ نظم‌های منطقه‌ای را به شدت تحت کنترل و تسلط دو ابرقدرت شوروی و آمریکا قرار داد. اما در نیمه دوم قرن بیستم دو رویداد دگرگون‌کننده رخ داد که اهمیت سیستم‌های منطقه‌ای را برجسته کرد؛ استعمارزدایی و پایان جنگ سرد (Ingersoll and Frazier, 2011: 5). از این رو با گذار از دوران جنگ سرد و سرعت یافتن فرایند جهانی‌شدن دگردیسی‌های عظیمی در ماهیت قدرت و معادلات تکوین نظم‌های منطقه‌ای پدید آمد. از جمله مهم‌ترین این دگردیسی‌ها، افزایش اثرگذاری محیط ژئواکونومیک و ژئوکالچر بر نظم‌های منطقه‌ای و افزایش نقش قدرت‌های بزرگ نوظهور در تکوین نظم‌های منطقه‌ای است. در این وضعیت نوین، لزوماً انطباقی میان نظم‌های

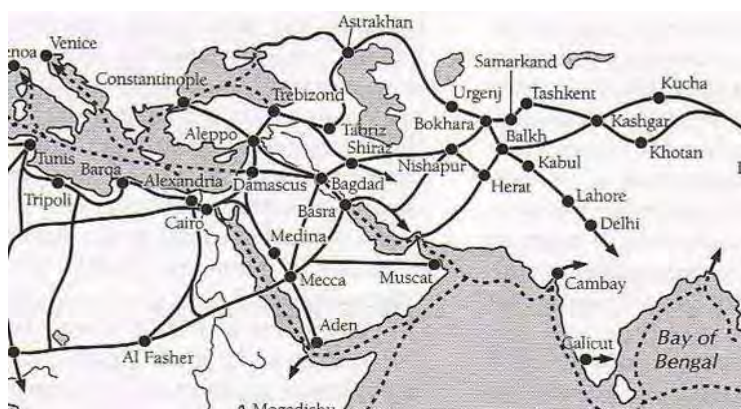
منطقه‌ای و سطح سیستمی وجود ندارد و اثرات محیط ژئواکونومیک و ژئوکالچر در کنار عوامل ژئوپلیتیک نقش مهمی در ظهور یا سقوط نظم‌های منطقه‌ای ایفا می‌کنند. افزون بر آن پدیده منطقه‌گرایی و گسترش حضور و نفوذ دیگر قدرت‌های بزرگ شرقی در سازمان‌دهی به ترتیبات منطقه‌ای از دیگر نتایج این دگردیسی‌ها است. بر این اساس قدرت‌های نوظهور شرقی مانند چین به‌عنوان عوامل برون منطقه‌ای درصدد تغییر سازه‌های یک نظم منطقه‌ای از طریق رقابت در محیط سه‌گانه ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر برآمده‌اند. این فرایند با اتخاذ استراتژی‌های سه‌گانه در سه سطح فوق در اتصال با تاکتیک‌ها و ابزارهای خاصی رقم می‌خورد. ژئواکونومی در قلب محیط ژئواکونومیک قرار دارد و به معنای استفاده از ابزارهای اقتصادی برای ترویج و دفاع از منافع ملی و به منظور ایجاد نتایج ژئوپلیتیک مطلوب و اثرگذاری فعالیت‌های اقتصادی کشوری دیگر بر اهداف ژئوپلیتیک یک کشور است (Blackwill and Haris, 2017:21). در حقیقت در مفهوم ژئواکونومی، هدف‌ها با تغییر در راهبردهای اقتصادی با بهره‌گیری از بستر ژئوپلیتیک به هدف‌های راهبردی تغییر شکل داده‌اند (Ezzati, 2005:34). این استراتژی در اتصال با برخی تاکتیک‌های اقتصادی منجر به تغییر محیط ژئواکونومیک و تغییر سازه‌های اقتصادی یک نظم منطقه‌ای می‌شود. از جمله مهم‌ترین این تاکتیک‌ها؛ ادغام اقتصادی با منطق وابستگی متقابل در پرتو ابزارهایی نظیر انعقاد قراردادهای مشارکت اقتصادی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، وام و کمک‌های مالی کلان و صادرات و ترویج مدل توسعه اقتصادی است. در سطح ژئوکالچر، بر استفاده از منابع نرم قدرت‌ساز نظیر قربت‌های فرهنگی و ظرفیت‌های تمدنی اصرار ورزیده می‌شود. خود برندسازی، نهادسازی‌های فرهنگی، تعاملات علمی و مبادلات مردمی در کنار گسترش رسانه‌های جمعی از جمله مهم‌ترین ابزارها در سطح ژئوکالچراند. ژئوپلیتیک نیز به معنای استفاده از ظرفیت متغیر جغرافیا و منابع قدرت سیاسی - نظامی جهت نیل به اهداف سیاست خارجی است. در این سطح استفاده از تاکتیک‌هایی در حوزه دیپلماسی و عرصه نظامی، سازه‌های ژئوپلیتیک منطقه را تغییر می‌دهند. دیپلماسی میانجی‌گرایانه، ائتلاف و اتحادهای منطقه‌ای، افزایش حضور نظامی و نهادسازی سیاسی از جمله مهم‌ترین این تاکتیک‌ها هستند. در پرتو کاربرد تاکتیک‌ها و ابزارهای فوق در محیط‌های سه‌گانه یک منطقه؛ یک قدرت بزرگ

نوظهور می‌تواند نظم فعلی را براندازد و زمینه‌های تکوین نظم منطقه‌ای مطلوب خویش را فراهم کند. در عین حال نقص یا شکست در کاربرد هر استراتژی جهت تغییر محیط ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر یک منطقه می‌تواند جایگزینی نظم در آن منطقه را با چالش و موانع گوناگونی در هر سطح مواجه کند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. سیاست خاورمیانه‌ای چین: پیش و پس از جنگ سرد

خاورمیانه همواره از اهمیت رو به تزایدی در ذهنیت زمامداران چین برخوردار بوده است. براساس تصویر (۱) عمده مسیرهای راه ابریشم باستان از این منطقه عبور می‌کردند. در عصر باستان عمده تعاملات چین با منطقه خاورمیانه حول راه ابریشم قدیم بود (Nazarzadeh and et al, 2023:1). در این بین تغییرات در سطوح رهبران و تحولات داخلی این کشور در طول جنگ سرد و پس از آن مهم‌ترین نقاط عطف در نحوه مواجهه تاریخی چین با منطقه خاورمیانه را رقم زده است. این تغییرات در خلال زمامداری مائو زدونگ (۱۹۷۶-۱۹۴۹) تا به اکنون در دوران شی جین پینگ (۲۰۲۳-۲۰۱۲) طی سال‌های اخیر الگویی تکاملی از نحوه زایش منافع متنوع، ابزارهای سیاست خارجی و اهداف چین در منطقه را نمایان می‌سازد.



شکل (۱): نقشه مسیرهای راه ابریشم باستان در منطقه خاورمیانه

(Source: Sas.upenn.edu, 2023)

تا پیش از پایان جنگ سرد منافع چین و ابزارهای سیاست خارجی آن در خاورمیانه محدود بود. در دوران مائو زدوونگ هم‌زمان با اوج‌گیری منازعات جنگ سرد؛ خاورمیانه به‌عنوان بخشی از جهان سوم و محلی برای رقابت‌های ایدئولوژیک با قدرت‌های بزرگ غربی نظیر آمریکا از طریق حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش فلسطینی شناخته می‌شد. به طور خلاصه روابط چین با خاورمیانه تا پیش از پایان جنگ سرد متأثر از منافع نظیر ترویج انقلاب از طریق جنبش‌های آزادی‌بخش، کسب حمایت بین‌المللی، ایجاد توازن در برابر آمریکا و حمایت از ایده جهان سوم‌گرایی شکل گرفت. گشایش اصلی در سیاست خارجی چین پس از مرگ مائو در سال ۱۹۷۶ و با روی کار آمدن دن شیائوپینگ در ۱۹۷۹ به وقوع پیوست (Falahi and et al, 2019: 117). دن شیائوپینگ ضمن اجتناب از سیاست‌های غیرعمل‌گرایانه سلف خود؛ با نگرشی نوین و عمل‌گرایی فزاینده ضمن آغاز اصلاحات اقتصادی در داخل مبنی بر توسعه صادرات محور از سال ۱۹۷۸ اولین گام‌های حیاتی در تغییر سیاست خارجی چین نسبت در جهان نوین را آغاز کرد. تنها با پایان جنگ سرد در اوایل دهه ۱۹۹۰ بود که پکن موفق شد سیاست‌های خود را از رویارویی شرق و غرب خارج کند و یک استراتژی مبتنی بر اقتصاد و از نظر ایدئولوژیک فارغ از درگیری‌های منطقه‌ای اتخاذ کند (Yildirimcakar and

(Han, 2022: 201). در طول دهه ۱۹۸۰ به دلیل تمرکز رهبران چین بر اصلاحات اقتصادی داخلی؛ منافع و سیاست‌های چین در خاورمیانه تا حدی نادیده انگاشته شد. با این حال نیاز روزافزون به منابع انرژی جهت استمرار رشد داخلی و موفقیت سیاست‌های اصلاحاتی اقتصادی در طول این دهه‌ها موجب افزایش ماجراجویی چین در خاورمیانه شد. چین در سال ۱۹۹۳ به واردکننده نفت تبدیل شد. منابع سرشار هیدروکربنی در کشورهای نفت‌خیز در این دوران عامل اصلی مجذوب‌کننده چین به منطقه بود. نگرش منحصر به فرد دن شیائوپینگ نسبت به خاورمیانه در طول ریاست رهبران نسل بعدی حزب کمونیست نظیر جیانگ زمین و هو جین تائو استمرار یافت. در دوران پساجنگ سرد از سال ۱۹۹۱ تا به امروز منافع اصلی پکن در خاورمیانه شامل استمرار نرخ بالای رشد اقتصادی، تقویت حمایت در عرصه بین‌المللی، تضمین ثبات داخلی در مناطقی چون شین کیانگ (سین کیانگ)، حمایت از کشورهای در حال توسعه، محافظت از شهروندان و کسب و کار خود در خارج از کشور و تمامیت ارضی چین در برابر آمریکا بوده است. اما تغییرات نوین و جدی‌تر در مواجهه پکن با خاورمیانه طی دوران ریاست شی جین پینگ رهبر نسل پنجم حزب کمونیست رخ داد. سیاست خاورمیانه‌ای چین در دهه ۲۰۱۰ به عنوان بخشی از استراتژی کلان و قاطعانه شی جین پینگ با هدف تبدیل پکن به یک قدرت مسلط دستخوش تغییر شد و شی با کنار گذاشتن راهبرد پیشینیان خود علناً جاه‌طلبی خود را برای پکن جهت ایفای نقش محوری در شکل‌دهی به نظام بین‌الملل چندقطبی نوپا ابراز کرد (Yildirimcakar and Han, 2022: 201). افزایش قدرت بین‌المللی چین ناشی از توسعه مداوم اقتصادی و روند رو به فزونی اثرگذاری سیاسی در سال‌های اخیر رهبرانی نظیر شی جین پینگ را به این باور رساند که در مناطق مهمی چون خاورمیانه باید نقش فعال‌تری جهت کسب منافع حداکثری و حفاظت از آن‌ها ایفا کنند و همگام با فزونی منابع و منافع قدرت؛ ضمن فاصله‌گیری تدریجی از ایده‌هایی مانند ظهور صلح‌آمیز، خواستار کسب جایگاهی درخورتر و افزایش نفوذ و حضور بین‌المللی در قبال آمریکا و غرب باشند. منطق حاکم بر این رویکرد نوین؛ منطقی واقع‌گرایانه و متأثر از افزایش منافع و منابع قدرت است. افزون بر آن خاورمیانه به عنوان منطقه‌ای بارزش افزوده بالا از نظر اقتصادی - سیاسی از اهمیت فزاینده‌ای در سیاست‌های نوین شی

برخوردار شده است. به طوری که بسیاری از تحلیل‌گران چینی حرکت چین به سوی خاورمیانه و تسلط بر این منطقه را پاسخی مناسب به سیاست چرخ به سمت آسیا آمریکا با هدف محاصره چین در مرزهای سرزمینی خود دانسته‌اند. از این رو نگرش محیطی شی جین پینگ نسبت به منطقه خاورمیانه در مواجهه با قدرت‌های غربی بنیانی تهاجمی و چندوجهی یافته و با محوریت ابزارهایی نظیر گسترش کمی و کیفی قراردادهای مشارکت استراتژیک با دولت‌های منطقه، تأسیس پایگاه نظامی در جیبوتی، تدوین اسناد بالادستی چون سند سیاست عرب چین با اتکا به اصول پنج‌گانه مرفی سیاست خارجی، ابرپروژه یک کمربند و یک راه، تقویت نهادهای مشترک همکاری نظیر مجمع همکاری چین و کشورهای عربی^۱ و گسترش مراکز کنفوسیوس در منطقه صورت‌بندی شده است (Murphy, 2022). مجموعه اقدامات و ابزارهای نوین سیاست خارجی چین در خاورمیانه از دهه ۲۰۱۰ تا به اکنون را می‌توان در ساحت نوعی نگرش محیطی در سه سطح متمایز اما درعین حال مکمل ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر تبیین کرد.

۴-۲. چین و امکان‌های منطقه‌ای؛ نگرش سه سطحی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر

سازدهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاورمیانه با آغاز دهه ۲۰۱۰ تا به اکنون به شکلی بی‌سابقه هدف کنش‌های فعال چین بوده‌اند. در سطح سیاسی؛ نهادهای سیاسی درون منطقه‌ای نظیر شورای همکاری خلیج فارس و رقابت‌ها و منازعات میان قدرت‌های منطقه‌ای از جمله مهم‌ترین سازدهای سیاسی‌اند. در سطح اقتصادی، زیرساخت‌های اقتصادی چون بنادر و در سطح فرهنگی رسانه‌های جمعی و مراکز آموزشی از جمله مهم‌ترین سازدها هستند. تمرکز دولت شی بر منطقه طی سالیان اخیر منجر به تدوین نوعی استراتژی کلان با دو هدف اساسی شده است؛ حفاظت از منافع را به فزونی چین در منطقه و موازنه‌سازی علیه غرب. ارائه بدیل‌های جایگزین برای سازدهای نظم منطقه‌ای خاورمیانه و افزایش قدرت چین در مواجهه با غرب ناشی از موازنه‌سازی منطقه‌ای علیه آن از جمله مهم‌ترین نتایج احتمالی تعقیب این اهداف از سوی پکن هستند. در کانون این استراتژی کلان؛ نگرش سه سطحی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر قرار دارند که از حیث منطق اثرگذاری تا به اکنون در خاورمیانه بی‌سابقه بوده‌اند.

۴-۲-۱. ژئوپلیتیک: از دیپلماسی میانجی‌گری تا افزایش ردپای نظامی

غروب مائو زدوونگ و طلوع دنگ شیائوپنگ در سپهر سیاست خاورمیانه‌ای چین برای دهه‌ها ژئوپلیتیک را به نفع ژئواکونومیک به حاشیه راند. سنگینی وزن منافع اقتصادی در کنار اهداف ترقی‌خواهانه اقتصاد پایه رهبری پکن در دوران پساجنگ سرد تا حد زیادی منافع امنیتی - سیاسی چین در خاورمیانه را از دامنه توجه دولت خارج کرد. بخشی از علت این کم‌توجهی را می‌توان واکنشی طبیعی در تقابل با توجه افراطی مائو به منافع صرف ژئوپلیتیک در خاورمیانه از سوی رهبران نسل دوم، سوم و چهارم حزب کمونیست دانست. نسل پنجم اما در دو دهه اخیر با هدایت شی جین پینگ ملی‌گرا و خواهان برتری چین در نظم نوین جهانی مسیری متفاوت نسبت به همتایان قبلی و میانه‌رو خود اتخاذ کرده است. ژئوپلیتیک مجدداً در حال بازگشت به کانون سیاست خاورمیانه‌ای پکن است. علت را باید در مجموعه‌ای از عوامل و اهداف جست‌وجو کرد که غالباً در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای قابل شرح‌اند. در سطح بین‌المللی افزایش وزن سیاسی و اقتصادی چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ قابل اعتنا؛ ذهنیت رئیس‌جمهور چین، شی جین پینگ را به‌سوی این باور سوق داد که جهان هم اکنون باید بیش از گذشته چین را جدی بگیرد. اگرچه چین در دهه‌های اخیر در مرکز تمامی فرایندهای کلان اقتصادی بوده است؛ در خلال عقب‌نشینی آمریکا از منطقه، شی اکنون خواهان نقش‌آفرینی بیشتر کشورش در مرکز تحولات سیاسی - امنیتی است. در واقعیت امر پکن با چرخش به سوی خاورمیانه با هدف تضعیف جایگاه آمریکا در منطقه و درهم شکستن اتحادهای قدیمی منطقه با ایجاد صف‌بندی‌های جدید پاسخ داده است (Yildirimcakar and Han, 2022:203). افزون بر آن در سطح منطقه‌ای افزایش تهدیدات ناشی از منازعات و آشوب‌ها و ضرورت حفاظت از منابع و منافع اقتصادی را به تزايد چین؛ بیش از گذشته افزایش دامنه اقدامات سیاسی - امنیتی چین را می‌طلبد. از این‌رو مجموعه‌ای از ابزارهای سیاسی، امنیتی و نظامی، نگرش ژئوپلیتیک چین در محیط پرآشوب خاورمیانه را به پیش می‌برند. دیپلماسی میانجی‌گرایانه، نهادسازی‌های دقیق با دستور کارهای سیاسی - امنیتی، افزایش ردپای نظامی، موازنه‌سازی علیه غرب با اتکا به ظرفیت قدرت‌های

منطقه‌ای و ابرپروژه کمربند و راه از جمله مهم‌ترین ظرفیت‌ها و ابزارهای پکن در دهه‌های اخیر تا به اکنون جهت بازگردانی ژئوپلیتیک به کانون سیاست خاورمیانه‌ای خود بوده است. در سالیان اخیر نقش میانجی‌گرایانه چین در خلال بحران‌های خاورمیانه؛ ذهنیتی مثبت از این کشور را در میان رهبران منطقه به ارمغان آورده است. در واقع ایجاد توازن در روابط رقاب‌ منطقه‌ای و تلاش برای حفظ آن روابط فراتر از منازعات امنیتی بین کنشگران منطقه‌ای به الگویی ثابت در رویکرد چین به خلیج فارس و درواقع خاورمیانه تبدیل شده است (Houghton, 2022: 140). به‌طور کلی چین کوشیده است که از دعوای منطقه خاورمیانه برکنار باشد یا لااقل به‌گونه‌ای عمل کرده است که مخالفت جدی هیچ‌کدام از طرف‌های درگیری برانگیخته نشود (Ansarifard and Haji-Yousefi, 2021: 109). چنین رویکردی با سازوکار میانجی‌گری صورت‌بندی می‌شود. علت تعقیب این رویکرد در چهار عامل نهفته است؛ اصل همه دوست یا دشمن صفر، اجتناب از مداخله در امور داخلی کشورها، حساسیت بالا نسبت به جلوگیری از درگیر شدن منافع متقابل چین با شرکا در خلال درگیری‌های متقابل آن‌ها و گریز از تله فرورفتن در باتلاق معضلات امنیتی بی‌پایان منطقه نمود اعلای کاربست دیپلماسی میانجی‌گرایانه پکن را می‌توان در دست‌یابی به توافق تنش‌زدایی میان ایران و عربستان سعودی در مارس ۲۰۲۲ (اسفندماه ۱۴۰۱) یا اخیراً توافق ۱۴ گروه فلسطینی از جمله فتح و حماس با میانجی‌گری دولت شی بر سر ایجاد دولت موقت وفاق ملی در نوار غزه پس از جنگ، می‌تواند مشاهده کرد. پکن با کمترین هزینه سیاسی، بدون کاربرد ابزارهای نظامی و قهری و با اجتناب از مداخله مستقیم به نفع یکی از طرفین موفق شد آن‌ها را به سوی صلحی مصلحتی جهت حفاظت از منافع اقتصادی خویش با جلوگیری از هدف‌گیری مکرر زیرساخت‌های نفتی شرکای عرب از سوی حوثی‌ها در جبهه یمن سوق دهد. این موفقیت‌های دیپلماتیک بیش از هر چیز مرهون ظرافت‌های سیاسی است که پکن در خلال میانجی‌گری‌های منطقه‌ای به کار برده و در حاشیه همگرایی‌های دسته‌جمعی در کانون نهادسازی‌های سیاسی قوام بیشتری یافته است. در واقع تأسیس مجموعه‌ای از نهادهای مشارکتی از دهه ۲۰۰۰ نظیر مجمع همکاری چین و

آفریقا^۱ (۲۰۰۰) و مجمع همکاری چین و کشورهای عربی (۲۰۰۴) نیاز فزاینده این کشور به چهارچوب‌های نهادی جهت همگرایی و تمرکز تصمیم‌گیری‌های مشترک سیاسی، امنیتی و اقتصادی را تأمین کرده و کانال‌های دیپلماتیک لازم جهت ایفای نقش مثبت چین در تحولات منطقه‌ای را فراهم می‌کند.

در حوزه نظامی نیز، ردپای چین در منطقه از اواسط دهه ۲۰۰۰ همزمان با افزایش ناآرامی‌های پس از تهاجم نظامی آمریکا به عراق و افغانستان پیوسته پررنگ شده است. این حضور مجموعه‌ای از مشارکت‌های خفیف نظامی - امنیتی مانند عملیات و رزمایش‌های مشترک علیه دزدی دریایی از سال ۲۰۰۸ تا همکاری‌های قوی نظیر استقرار مستقیم نیروی‌های امنیتی و تأسیس پایگاه نظامی در جیبوتی در سال ۲۰۱۷ را در بر می‌گیرد. در سال ۲۰۱۴ پکن ادعا کرد که کشتی‌های نیروی دریایی این کشور حدود ۵۶۷۰ کشتی را در منطقه اسکورت کرده‌اند (Dorsey, 2019: 208). پررنگ شدن حضور نظامی را می‌تواند پاسخی مستقیم به افزایش تهدیدات علیه امنیت انرژی، زیرساخت‌ها و شهروندان چینی در منطقه دانست. افزون بر آن بخشی از این فعالیت‌های نظامی در منطقه نظیر رزمایش‌های مشترک نظامی در دریا؛ در خلال همکاری با دولت‌های هم‌سو چون ایران رقم می‌خورد. راهبرد نگاه به شرق و منازعه ایدئولوژیک ایران با آمریکا در طول ۴۰ سال اخیر محرک اساسی پکن جهت ارتقا روابط در سطوح سیاسی و امنیتی با ایران و ورود به ائتلافی نانوشته با این کشور است. چین ضمن بهره‌برداری از نقش ایران به‌عنوان ابزاری برای تضمین توازن قدرت می‌تواند همزمان از رویارویی مستقیم با آمریکا در منطقه اجتناب کند (Saleh and yazdanshenas, 2023: 20). بر این اساس دامنه روابط چین با نیروهای مخالف غرب در منطقه به برقراری ارتباط با نیروهای شبه‌نظامی وابسته به ایران نیز گسترش یافته است. به‌عنوان نمونه گروه حشدالشعبی عراق در اسفند ۱۴۰۲ با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که شرکت المهندس نخستین تفاهم‌نامه بین‌المللی خود را با غول ساخت‌وساز چینی CMEC امضا کرده است (Persianepochtimes, 2023).

فارغ از ظرفیت‌های ژئواکونومیک و ژئوکالچر ابتکار کمربند و راه؛ بدون شک اهمیت ژئوپلیتیکی این ابرپروژه در منطقه خاورمیانه به شدت برای پکن حائز اهمیت است. در واقع (BRI) استراتژی ژئوپلیتیکی جدید چین برای تبدیل شدن به یک قدرت اوراسیایی و موازنه در برابر آمریکا در عصر افزایش تنش در آسیا و اقیانوسیه است (Murphy, 2022:239). خاورمیانه به دلیل موقعیت جغرافیایی و ظرفیت‌های اقتصادی و فرهنگی فزاینده در قلب این ابتکار قرار دارد. هرگونه اتصال زمینی و دریایی شرق به غرب ناچار از مسیر خاورمیانه می‌گذرد. افزون بر این هرگونه چرخش چین از شرق به غرب جهت خنثی‌سازی استراتژی چرخش به سمت آسیا آمریکا تا حد زیادی به موفقیت این کشور در عملیاتی‌کردن ابعاد ژئوپلیتیکی راه ابریشم نوین بستگی دارد.

۲-۲-۴. ژئواکونومیک: نگرشی هوشمندانه با ابزارهایی متنوع

چرایی توجه روزافزون چین به افزایش حضور و نفوذ اقتصادی در منطقه خاورمیانه در بیانات شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین طی سخنرانی در مقر اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۶ نهفته است. شی در خلال سخنرانی خویش بیان کرد «کلید غلبه بر مشکلات در خاورمیانه؛ تسریع در توسعه است، آشفتنی در خاورمیانه ناشی از فقدان توسعه و راه‌حل نهایی آن نیز به توسعه بستگی دارد که بر رفاه و کرامت همه اثر می‌گذارد» (Chinadaily, 2016). خاورمیانه به عنوان انبار نفتی جهان، بزرگ‌ترین بازار مصرفی چین و محل اتصال شرق به غرب در ابرپروژه راه ابریشم نوین، نقشی سرنوشت‌ساز در دستیابی چین به اهدافش دارد. از این‌رو پکن از دهه ۲۰۰۰ برای نیل به این اهداف، استراتژی ادغام اقتصاد منطقه‌ای خاورمیانه در اقتصاد خویش را با ابزارهای متنوع ژئواکونومیک در دستور کار قرارداد. این استراتژی هسته نگرش ژئواکونومیک چین در منطقه را شکل می‌دهد و با طیف وسیعی از ابزارها و ظرفیت‌های متنوع دنبال می‌شود. انعقاد قراردادهای مشارکت استراتژیک با طیف وسیعی از کشورهای منطقه، ترغیب و تشویق شرکت‌ها و بانک‌های دولتی چینی به افزایش سرمایه‌گذاری و حضور در زیرساخت‌های منطقه‌ای، اعطای کمک‌های مالی و وام‌های اقتصادی بلاعوض و فاقد پیش‌شرط به کشورها، ساخت و توسعه مناطق ویژه اقتصادی و صدور مدل توسعه مرکانتیلیستی در غالب این مناطق در کنار ابتکارات پروژه یک کمربند و یک راه از مهم‌ترین ظرفیت‌های ژئواکونومیک هستند.

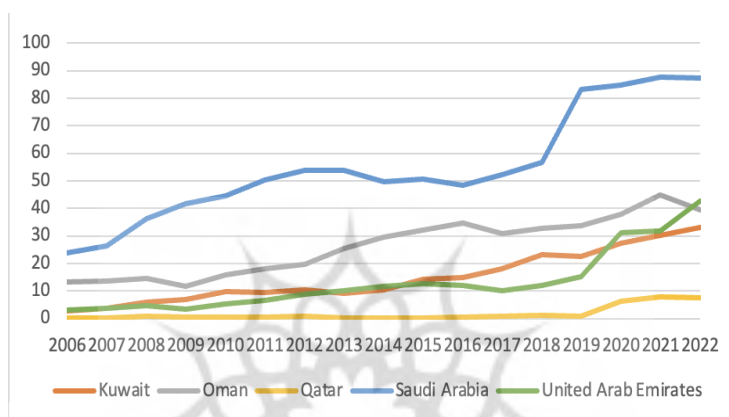
پکن به شکلی مستمر در سالیان اخیر بیش از هر قدرت بزرگ غربی قراردادهای مشارکت جامع متنوعی را با بسیاری از دولت‌های مهم منطقه منعقد کرده است. در این راستا چین با الجزایر (۲۰۱۴) مصر (۲۰۱۴) عربستان (۲۰۱۶) ایران (۲۰۱۶) امارات (۲۰۱۸) قطر (۲۰۱۴) اردن (۲۰۱۵) و اسرائیل (۲۰۱۷) مشارکت‌های جامع را برقرار کرد (Wu, 2021: 450). تحلیل‌ها حاکی از آن است که انتخاب چین برای ایجاد چنین شبکه پیچیده‌ای از مشارکت‌های استراتژیک تصادفی نیست بلکه توسط سه عامل تعیین می‌شود: نیاز به مقابله با فشار آمریکا، ضرورت حفظ صلح و ثبات و دستیابی به اهداف بلندمدت توسعه (Li and Ye, 2019: 66). کار ویژه اساسی این قراردادها در بستر اقتصادی مبتنی بر منطق وابستگی متقابل رقم می‌خورد. بدین معنا که چین از یک سو زمینه‌های لازم جهت جلب مشارکت و یارگیری از دولت‌های منطقه را برای تسهیل اجرای طرح‌های کلان اقتصادی خود نظیر ابتکار راه ابریشم فراهم کرده و از سوی دیگر ضمن گسترش همکاری‌های اقتصادی در عرصه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و انرژی وابستگی متقابل اقتصادی را در خلال همکاری‌های مشترک ایجاد می‌کند. ازجمله نتایج ملموس این قراردادها؛ افزایش قابل توجه تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل در سال‌های اخیر بوده است. به‌عنوان مثال طبق داده‌های جدول (۱)، تجارت چین با ۸ کشور خاورمیانه از جمله امارات متحده عربی، اسرائیل، عربستان سعودی، عراق، مصر، کویت، قطر، عمان، اردن و بحرین در سال ۲۰۲۲ به ۳۶۵٫۹۳ میلیارد دلار رسیده است. بر اساس داده‌های گمرک چین، خاورمیانه سریع‌ترین شریک تجاری در حال رشد چین در سال ۲۰۲۲ بوده که نسبت به سال قبل ۲۷٫۱ درصد رشد داشته است (Chinadaily, 2023).

جدول (۱): میزان تجارت چین با کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۲۲ بر حسب میلیارد دلار

کشور	ارزش کل تجارت	صادرات	واردات
ایران	۱۵٫۱۶	۵٫۷۲	۹٫۴۴
عربستان سعودی	۱۰۴٫۵	۶۸	۳۶٫۵
امارات متحده عربی	۹۰٫۲	۳۲٫۵	۵۷٫۷
قطر	۲۵٫۵	۲۱٫۱	۴٫۴
عمان	۳۴٫۰۶	۳۰٫۴	۳٫۶۶
ترکیه	۴۲٫۰۸	۳٫۵۸	۳۸٫۵
کویت	۳۴٫۵	۲۴٫۳	۱۰٫۲
اسرائیل	۱۹٫۹۳	۵٫۵۳	۱۴٫۴

(Source: OEC World)

تجارت نفت از جمله اساسی ترین حوزه تعاملات تجاری اقتصادی چین و کشورهای خاورمیانه است. بر اساس شکل (۲) چین از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲ واردکننده عمده نفت اعضا شورای همکاری خلیج فارس است. به عنوان مثال عربستان سعودی تنها در سال ۲۰۲۲ نزدیک به ۸۸ میلیون تن نفت خام به چین صادر کرده است (Atlanticcouncil, 2023).



شکل (۲): نمودار صادرات نفت اعضا شورای همکاری خلیج فارس به چین از سال ۲۰۰۶-۲۰۲۲ (برحسب میلیون تن)

(Source: Atlantticcouncil, 2023)

در حوزه سرمایه‌گذاری نیز، سرمایه‌گذاران دولتی در بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان و امارات در سال ۲۰۲۳ بیش از ۲,۳ میلیارد دلار در چین سرمایه‌گذاری کردند (South China Morning Post, 2024). سازوکار سرمایه‌گذاری‌های عظیم پکن در منطقه نیز با تشویق و حمایت از شرکت‌ها و بانک‌های دولتی با ارائه حمایت‌ها و مشوق‌های مالی جهت ورود به مشارکت در ساخت‌وساز زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات متنوع مالی و فناوری دنبال می‌شود. شرکت جاده و پل چین^۱، شرکت ساخت‌وساز راه‌آهن چین^۲، شرکت مهندسی ساخت‌وساز دولتی چین^۳، در کنار غول‌های نفتی چین نظیر سینوپک از جمله مهم‌ترین شرکت‌های دولتی هستند که

- 1.China Road and Bridge Corporation
- 2.China Railway Construction Corporation
- 3.China State Construction Engineering Corporation

بازارهای مالی، خدماتی و مصرفی منطقه را در دست گرفته‌اند. بر اساس آمارها، بیش از ۶۰۰۰ شرکت چینی در امارات متحده عربی در طیف گسترده‌ای از بخش‌ها از جمله انرژی، بنادر، زیرساخت‌ها، ارتباطات و امور مالی فعالیت می‌کنند (PWC, 2022).

نیاز دولت‌های خاورمیانه به وام‌های بدون پیش‌شرط و کمک‌های مالی چین؛ ظرفیت‌های مناسبی جهت افزایش نفوذ اقتصادی این کشور در منطقه فراهم کرده است. به عنوان مثال شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در دیدار با نمایندگان کشورهای عربی، از کمک ۱۵ میلیون دلاری به فلسطین خبر داد و متعهد شد که چین از حمایت مالی بیشتری برای توسعه در خاورمیانه حمایت کند (Plestinechronicle, 2018). در واقع اعطا کمک‌های مالی و وام‌های کلان و بلندمدت بدون پیش‌شرط‌های سیاسی و حقوق بشری مرسوم غربی از جمله دیگر ابزارهای کاربردی چین جهت افزایش نفوذ اقتصادی خویش در منطقه است. با این حال به نظر می‌رسد دولت شی جین پینگ در راستای تعهد و اعتقادی که به اهمیت توسعه در کنترل منازعات و ناآرامی‌های منطقه‌ای دارد؛ اهدافی کلان نظیر: ۱. افزایش وابستگی دولت‌های منطقه به منابع مالی چین ۲. تصاحب جایگاه نهادهای وام‌دهنده غربی نظیر صندوق بین‌المللی پول ۳. کسب اعتبار بین‌المللی به عنوان قدرت بزرگ حامی دولت‌های درمانده را دنبال می‌کند.

در کنار اعطا کمک‌های مالی؛ سه پروژه اقتصادی تکمیلی مشترک چین با عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی؛ زمینه صدور الگوهای اقتصادی مرکانتیلیستی - چینی به منطقه را فراهم کرده‌اند. در ماه مه ۲۰۱۶، قراردادی میان مقامات چین و عمان منعقد شد که بر اساس آن احداث یک پارک صنعتی چینی - عمانی در الدقم^۱ عمان به مساحت ۱۲ کیلومترمربع با سرمایه‌گذاری ۱۰ میلیارد دلار آغاز شد. در سال ۲۰۱۶ با محوریت شرکت پان آسیایی عربستان سعودی^۲، پکن و ریاض جهت احداث پروژه تلفیقی فیبر پتروشیمی و شیمیایی^۳ در شهر جازان به توافق رسیدند. منطقه نمایشی ظرفیت صنعتی امارات و چین^۴ نیز با مساحت دو کیلومترمربع باهدف ارتقا

1. Al-Duqm

2. Pan-Asia Saudi limited

3. Jcpdi

همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های صنایع غذایی، انرژی‌های نو، فراوری محصولات آلومینیومی و پتروشیمی در سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی شد (Xinhuanet, 2018). تمامی این پروژه‌ها از فناوری‌ها، الگوهای مدیرتی و آموزش‌های چینی تغذیه می‌کنند. فقدان تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌های مرسوم غربی در این مناطق ویژه اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی چین را تسهیل کرده است. درواقع این سه پروژه نشان می‌دهند که صنایع نوظهور چین با مزایای نسبی و ایجاد محیط‌های نهادی به کشورهای خلیج فارس منتقل شده‌اند (Rahman and Al-Azm, 2023: 541). تمامی ابزارهای اقتصادی فوق ذیل ابتکار یک کمر بند و یک راه تجمیع شده و کارایی فزاینده‌ای پیدا می‌کنند. گویی قلب تپنده راهبرد ژئواکونومیک پکن در خاورمیانه ابرپروژه راه ابریشم نوین است که در نهایت امر تمامی ابزارهای اقتصادی فوق را به یکدیگر متصل می‌کند. این ابزارها از یک سو پشتیبانی‌های لجستیکی و حمایت‌های اقتصادی لازم از تعقیب ابتکار راه ابریشم نوین را فراهم کرده و از سوی دیگر در کنار این ابتکار پازل ژئواکونومیکی چین در خاورمیانه را تکمیل می‌کنند.

۲-۳. ژئوکالچر؛ از خودبرندسازی تا دیپلماسی مردمی

در بخش دوم سند سیاست عربی چین^۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی چشم‌انداز رهبری پکن در خصوص خاورمیانه آمده است «ما تبادلات مردم به مردم را تقویت خواهیم کرد، همکاری‌ها را در زمینه‌هایی مانند علم، آموزش، فرهنگ، بهداشت، رادیو، فیلم و تلویزیون تقویت کرده، تفاهم و دوستی بین دو ملت را عمیق‌تر می‌کنیم، فرهنگ پل ارتباطی بین دو ملت است و به طور مشترک به پیشرفت تمدن بشری کمک می‌کند» (China's State Council, 2016). نوع نگرش رهبری چین به مقوله فرهنگ در این سند؛ انعکاس‌دهنده سه هدف عمده در نگرش ژئوکالچر آن در خاورمیانه است؛ جهانی‌سازی ایده‌ها و ارزش‌های تمدنی چین، ارائه بدیل فرهنگی در مواجهه با فرهنگ غربی و کسب و افزایش مشروعیت در جوامع منطقه.

محافل راهبردی چین قاطعانه بر این باورند که ظرفیت تمدنی - فرهنگی چین نوعی سنخیت بالقوه در ارتباط با سازه‌های فرهنگی خاورمیانه دارد. این سنخیت در پرتو ارتباطات تمدنی باستانی و قرابت‌های جغرافیایی رقم خورده و زمینه بالقوه‌ای برای افزایش نفوذ فرهنگی در

منطقه فراهم می‌کند. از این‌رو با آغاز دهه ۲۰۰۰ منابع قدرت نرم‌خویش را با ابزارهای متعدد در منطقه بسیج کرده‌اند. این ابزارها با محوریت استراتژی جهانی شو^۱ معنا یافته‌اند. بر اساس این استراتژی چین با نشان دادن جذابیت‌های فرهنگی خود تصویری مثبت را در سطح منطقه و نظام بین‌الملل از خود نشان می‌دهد (Yellinek and et al, 2020). خود برندسازی^۲، نهادسازی فرهنگی - آموزشی، مبادلات علمی - گردشگری، گسترش رسانه‌های جمعی و مبادلات بین مردمی در پرتو ابتکار یک کمربند و یک راه از جمله مهم‌ترین ظرفیت‌های ژئوکالچر پکن در منطقه خاورمیانه است.

در عرصه خود برندسازی؛ چین برند خود در خاورمیانه را بر اساس سه روایت ایدئولوژیک بنا نهاده است؛ رشد اقتصادی چشمگیر، علاقه چین به تبدیل شدن به یک شریک اقتصادی و نه امنیتی برای منطقه، وضعیت مستمر و در حال تحول چین به عنوان یک کشور در حال توسعه، همتا و نه برتر نسبت به کشورهای خاورمیانه (Zoubir, 2023: 436). این خود برندسازی به نسبت سایر ابزارهای فوق، تا حد زیادی روابط رسمی مابین دولت‌های چین و خاورمیانه را با هدف قراردادادن اذهان و افکار نخبگان و رهبران تنظیم می‌کند. نتیجه این امر خوش‌بینی فزاینده رهبران خاورمیانه نسبت به منظومه فکری و اقدامات چین در سطوح اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. به عنوان مثال شیخ محمد بن راشد آل مکتوم معاون رئیس امارات متحده عربی در خلال جشن هفتاد و چهارمین روز ملی چین با انتشار توثیقی گفت «ما روابط راهبردی و فرهنگی دیرینه با چین را به اشتراک می‌گذاریم، بین شانگهای و دبی شباهت‌هایی وجود دارد ما از چین مفهوم سرعت در کار را یاد گرفتیم؛ بنابراین ما نیز سریع انجام می‌دهیم» (Khaleejtimes, 2023). بخش عظیمی از پروژه خود برندسازی چین؛ از کانال نهادهای فرهنگی - آموزشی این کشور دنبال می‌شود. در واقع پکن به طور پیوسته و همزمان با گسترش فعالیت‌های اقتصادی خود دست به نهادسازی‌های گسترده‌ای در عرصه‌های فرهنگی و آموزشی زده است. توسعه مؤسسات کنفوسیوسی، مراکز فرهنگی و گروه‌های مطالعاتی آسیا - چین در رأس این استراتژی قرار دارند.

1. Go Global

2. Self Branding

تا به اکنون این مراکز در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله دانشگاه تهران در ایران و دانشگاه شارجه در امارات تأسیس شده‌اند. کار ویژه این مؤسسات آموزش زبان و ترویج ارزش‌های فرهنگی چین است. همگام با گسترش نهادهای آموزشی - فرهنگی در منطقه؛ مبادلات علمی - آموزشی در سطح تبادل دانشجو و مبادلات فرهنگی در سطح گردشگری نیز توسعه یافته‌اند. جذب دانشجویان خاورمیانه‌ای در دانشگاه‌های چینی با اعطای بورسیه‌های تحصیلی در این راستا صورت می‌گیرد. متوسط نرخ رشد سالانه دانشجویان عرب شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های چین و دانشجویان چینی در دانشگاه‌های عربی در ۱۲ سال از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ به ترتیب ۲۶ و ۲۱ درصد افزایش یافته است (Zoubir, 2023: 427). در راستای گسترش مبادلات فرهنگی نیز پکن برای چندین دهه توسعه گردشگری را به عنوان عنصری اقتصادی و فرهنگی در سیاست خارجی خود نهادینه کرده است. بر این اساس چین در مواجهه با خاورمیانه نیز توافق‌نامه‌های وضعیت مقصد تأیید شده^۱ را با بسیاری از کشورهای منطقه نظیر مصر (۲۰۰۲) اردن (۲۰۰۴) اسرائیل (۲۰۰۸) امارات (۲۰۰۹) و قطر (۲۰۱۸) منعقد کرده است. این توافق‌نامه‌ها با تسهیل خدمات گردشگری، زمینه را جهت تشویق و ترغیب طبقه متوسط چین جهت انتخاب خاورمیانه به عنوان اولین مقاصد گردشگری فراهم می‌کند. فرایند گسترش مبادلات فرهنگی در پس‌زمینه رسانه‌های جمعی نیز دنبال می‌شود و خاورمیانه در سالیان اخیر پیوسته مورد هجوم تولیدات رادیویی، سینمایی و رسانه‌ای چین به زبان‌های خاورمیانه‌ای چون فارسی، عربی، ترکی و عبری بوده است. رسانه‌های تحت حمایت دولت از جمله شین هوا، چاینا دیلی منابع اصلی خبری در منطقه خاورمیانه هستند. جلب توجه افکار عمومی و مردم عادی در خاورمیانه نقطه قانونی فرایند گسترش رسانه‌های جمعی چین است. در واقع برای پکن دیپلماسی مردمی بازتابی از ارزش‌های انسان‌گرایانه سنتی چین است؛ مردم ریشه یک کشور هستند و روابط کشورها به روابط مردم آن‌ها بستگی دارد (Ma, 2010: 36). از این رو جوامع گسترده چینی ساکن در منطقه جهت نزدیکی فرهنگی و ایفای نقش به عنوان سفرای فرهنگی غیررسمی پکن، ظرفیت‌هایی را در اختیار دیپلماسی مردمی دولت قرار داده‌اند. بر اساس تخمین‌ها بیش از ۵۰۰ هزار چینی در

سراسر خاورمیانه اسکان دارند. تنها دبی دارای بزرگ‌ترین جامعه مهاجران چینی در خاورمیانه با ۲۰۰ هزار شهروند و ۳۰۰۰ شرکت است (Dorsey, 2018:10). ابزارهای فوق در اتصال با ابتکارات کمربند و راه پازل راهبرد ژئوکالچر چین در خاورمیانه را تکمیل می‌کند. بدین معنا که این ابرپروژه ظرفیت‌های متعددی را در زمینه‌هایی فوق نظیر جذب دانشجویان خاورمیانه با راه‌اندازی مشوق‌های تحصیلی نظیر بورسیه دانشجویی راه ابریشم نوین فراهم کرده است. دولت چین به طرز هوشمندانه در دو دهه اخیر موفق شده است در منطقه خاورمیانه استراتژی کلان خویش مبتنی بر نوعی نگرش چندسطحی در سطوح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر را تدوین کند. برای اولین بار خاورمیانه شاهد کنشگری نوین با ایده‌ها و اقداماتی متمایز از قدرت‌های مرسوم غربی است که برای دهه‌ها قواعد و رویه‌های یکدستی را بر منطقه تحمیل کرده بودند. با این حال در هر یک از سطوح کاستی‌هایی نیز به چشم می‌خورد که می‌تواند از آن‌ها به عنوان محورهای اصلی امتناع پکن در تغییر نظم منطقه‌ای خاورمیانه یاد کرد.

۳-۴. چین و امتناع منطقه‌ای؛ شی در میانه محدودیت‌های سه‌گانه

دستاوردهای سریع و شگرف چین در منطقه نمی‌تواند باعث نادیده‌گرفتن ضعف و کاستی نگرش‌های محیطی این کشور در مواجهه با خاورمیانه باشد. در نگرشی عمیق؛ نقایصی در رفتار و اقدامات پکن در منطقه به چشم می‌خورند که برخی ریشه در مسائل داخلی این کشور دارند و برخی نیز در بستر تحولات منطقه‌ای فرصت نمایان‌شدن یافته‌اند. فزونی این مشکلات در سطح ژئوپلیتیک به مثابه پاشنه آشیلی برای پکن در منطقه عمل می‌کند. مشکلات در سطوح ژئوکالچر و ژئواکونومیک به ترتیب محورهای بعدی امتناع دولت چین در تأمین منافع گسترده خویش را شکل می‌دهند.

۳-۴-۱. ژئوپلیتیک؛ پاشنه آشیل پکن در خاورمیانه

اصرار رهبران چین در برشمردن آثار و نتایج مثبت به حاشیه راندن تعارضات ژئوپلیتیک با تمرکز بر ترویج و گسترش فرصت‌های ژئواکونومیک در سالیان اخیر روندی رو به شد در تبلیغ راهکارهای چینی جهت حل و مدیریت منازعات منطقه‌ای داشته است. اما برخی حوادث و بحران‌های منطقه‌ای در خاورمیانه نشان داد که همچنان معضلات سیاسی - امنیتی منطقه بر

اساس منطق کلاسیک قدرت و راهکارهایی از جنس ژئوپلیتیکی قابل حل است. غلبه چنین ذهنیتی در تفکر استراتژیک رهبران چین ناشی از استحکام برخی انگاره‌ها و پشتوانه‌های فکری در اصول سیاست خارجی مسالمت‌آمیز این کشور و برخی عوامل با منشأ خارجی است. تفریط در اصرار بر اصول هم‌زیستی مسالمت‌آمیز نظیر عدم مداخله، دیپلماسی شبه میانجی‌گرایانه، ترس حاصل از شکست‌های متوالی غرب در حل بحران‌های منطقه، سندرم سواری مجانی در حاشیه معماری امنیتی غربی، تمرکز فعال بر منازعه تایوان و فقدان ظرفیت‌های نظامی لازم جهت درگیری هم‌زمان در چندین منطقه جغرافیایی از جمله مهم‌ترین محورهای امتناع نگرش ژئوپلیتیکی چین در خاورمیانه است.

چین در راستای پایبندی به اصول پنج‌گانه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز خواستار احترام به حاکمیت، تمامیت ارضی و عدم مداخله و راه‌حل دیپلماتیک و صلح‌آمیز در درگیری‌ها و تنش‌ها است (Wu, 2021: 454). استمرار چنین انگاره‌هایی در سطح داخلی، گزینه‌های اقدام سیاست خارجی چین در خارج را به شدت محدود می‌کند. فرایند تبدیل دیپلماسی میانجی‌گرایانه به نوعی دیپلماسی شبه میانجی‌گرایانه، و پرهیز از هرگونه اتحاد و ائتلاف نظامی از جمله مهم‌ترین نتایج این مسئله است. در واقعیت امر سیاست میانجی‌گری چین به دلیل دو ویژگی، شکلی از شبه میانجی‌گری را پیدا کرده است؛ زیرا به جای حل تعارضات بر مدیریت تعارضات جهت تأمین خودخواهانه و افراطی منافع تمرکز دارد و به جای تعیین دستور کار، پیروی از دستور کارهای از پیش تعیین شده جهت اجتناب از درگیری عمیق در بحران را دنبال می‌کند. این رویکرد بر مبنای منطق سودمندگرایی افراطی و گریز از تله‌های امنیتی در منطقه رقم می‌خورد. با این حال تا حد زیادی از نفوذ مؤثر چین در حل بحران‌ها می‌کاهد و بر نقش قدرت‌های رقیب چون ایالات متحده آمریکا در حل آن‌ها می‌افزاید. جنگ هفت اکتبر و سلسله بحران‌های امنیتی پس از آن نظیر بحران در دریای سرخ آزمون‌های بزرگی برای آزمودن میزان موفقیت سیاست‌های چین در منطقه هستند. چین برای دهه‌ها حامی و پشتیبانی خوب برای فلسطین در مجامع بین‌المللی و شریکی قابل اعتنا برای اسرائیل در حوزه اقتصادی و فناوری بوده است. پکن در سال ۲۰۱۷ روابط خود با اسرائیل را به مشارکت جامع نوآورانه ارتقا داد. چنین روابط مثبتی با هر دو طرف

نتیجه دیپلماسی میانجی‌گرایانه چین بود. با این حال وقوع جنگ هفت اکتبر، دیپلماسی شبه میانجی‌گرایانه چین را با نوعی دوگانگی و نتایج منفی حاصل از آن مواجه کرد. در این وضعیت طرفین نه به صورت کامل از رفتار چین رضایت داشتند و نه به صورت کامل ناراضی بودند. وزارت خارجه اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ طی بیانیه‌ای در خصوص عدم محکومیت حمله حماس علیه این کشور از سوی پکن اظهار داشت "سفیر، ناامیدی عمیق اسرائیل را از اعلامیه‌ها و بیانیه‌های چین درباره رویدادهای اخیر در جنوب، جایی که هیچ‌گونه محکومیت صریح و صریح کشتار وحشتناک حماس علیه غیرنظامیان بی‌گناه و ربودن ده‌ها نفر از آن‌ها به غزه وجود نداشت، ابراز کرد (Reuters, 2024). در واقع عدم محکومیت حمله حماس از یک سو موجب کاهش شدید اعتبار چین در دیدگاه اسرائیل، ارتقا جایگاه حماس به عنوان نماینده مردم فلسطین و تضاد با موضع‌گیری شرکای با نفوذ عرب چون امارات متحده و بحرین در محکومیت حماس شد و از سوی دیگر عدم واکنش صریح در محکومیت حملات اسرائیل، ورود قاطعانه آمریکا جهت کنترل بحران دریای سرخ و عدم پیوستن به ائتلاف دریایی علیه حوثی‌ها، رهبران منطقه (خصوصاً اعراب) را متوجه ناتوانی پکن در ایفای نقش یک قدرت مسئول یا هم‌پیمانی قابل اطمینان در بزنگاه منازعات کرد. کمک ناچیز ۴ میلیون دلاری پکن به فلسطینی‌های ساکن غزه نیز در مقایسه با کمک‌های فزاینده دولت‌های غربی، لفاظی‌های این کشور در حمایت از فلسطین را نمایان‌تر کرد (Atlanticcouncil, 2024). دامنه اثرات منفی این رویکرد؛ به منافع اقتصادی چین در منطقه نیز کشیده شده است. در خلال درگیری‌های تنگه باب‌المندب هزینه‌های حمل و نقل و حق بیمه برای یک کانتینر استاندارد ارسال شده از چین به اروپا از ۱۵۰۰ دلار به ۴۰۰۰ افزایش یافته است (Chinaobservers, 2024). این در حالی است که بیشتر تجارت چین با اتحادیه اروپا از طریق دریای سرخ صورت می‌گیرد.

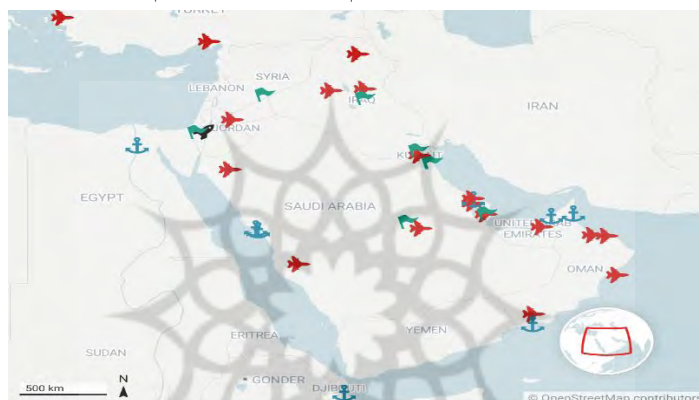
نگرانی چین نسبت به تداخل منافع اقتصادی خود با بحران‌های منطقه‌ای به مثابه نوعی بیم‌زدگی عمل کرده و سدی محکم را در مقابل ورود قاطعانه جهت مدیریت و حل منازعات در منطقه ایجاد کرده است. فرورفتن قدرت‌های غربی نظیر آمریکا در باتلاق بحران‌های امنیتی چون جنگ در افغانستان و عراق همچون درس عبرتی برای تصمیم‌گیرندگان چین عمل کرده است. اغلب

رهبران سیاسی و محققان چینی می‌گویند که خاورمیانه گورستان امپراتوری‌هاست زیرا بسیاری از امپراتوری‌های بزرگ در طول تاریخ پس از درگیر شدن در خاورمیانه از بین رفتند (Doresy, 2018:6). این مسئله دو نتیجه عمده در پی داشته؛ ۱. بی‌توجهی نسبت به آشفتگی‌های خاورمیانه تا بدان جا که منافع چین به صورت حداکثری آسیب نبیند. ۲. اتکا فزاینده به قاعده سواری مجانی در حاشیه معماری امنیتی غربی. این مسئله در درازمدت نوعی وابستگی امنیتی به معماری امنیتی غربی را برای چین به ایجاد کرده است. در این وضعیت اگر چین به اصل عدم‌مداخله خود متعهد بماند ممکن است فضا را برای شکل دادن به ثبات منطقه‌ای آینده توسط دیگران باز بگذارد و چنین تحولی ممکن است برای چین مضر باشد به خصوص اگر توسط رقیبی چون آمریکا شکل بگیرد (Burton, 2021:204). افزون بر آن هرگونه عقب‌نشینی امنیتی غرب از منطقه می‌تواند در فقدان نظم امنیتی جایگزین منافع چین را به صورت ناگهانی و غیرمنتظره در خطر قرار دهد.

تمرکز حداکثری بر منازعه تایوان و کمبود ظرفیت‌های نظامی لازم جهت پوشش هم‌زمان منافع و منابع پکن در چندین منطقه جغرافیایی، از دیگر محورهای امتناع نگرش ژئوپلیتیکی چین در منطقه است. تدوین استراتژی راهپیمایی به سوی خاورمیانه در یک دهه اخیر از مهم‌ترین ابتکارات محافل قدرت باهدف به هم زدن تمرکز ایالات متحده آمریکا بر مناطق پیرامونی سرزمین چین بود. با این حال به نظر می‌رسد دولت شی جین پینگ طی چند سال اخیر بیشتر ظرفیت‌های نظامی و لجستیکی خود را در دریا‌های چین شرقی و تایوان متمرکز کرده است. روند رو به تزاید برگزاری مانورها و رزمایش‌های هوایی و دریایی چین طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ حاکی از موفقیت ایالات متحده آمریکا در محصورسازی توانمندی‌های نظامی پکن در محیط پیرامونی این کشور است. بر اساس گزارش وزارت دفاع تایوان در سال ۲۰۲۳ حزب کمونیست چین جنگ در منطقه خاکستری علیه تایوان را تشدید کرده است تا مناطق اطراف این جزیره دموکراتیک را از بالون‌ها، پهپادها و قایق‌های نظامی پر کند (Persianepochtimes, 2023). این وضعیت از یک سو تمرکز نظامی چین بر تایوان و محیط پیرامونی خود را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر از تمرکز نظامی در خاورمیانه می‌کاهد. فقدان ائتلاف و اتحاد نظامی با قدرت‌های منطقه‌ای و

چین و خاورمیانه نوین: امکان و امتناع نظم نوین منطقه‌ای ۲۰۱

ضعف و کمبود در زیرساخت‌های لجستیکی و نظامی در خاورمیانه در مقایسه با رقبای غربی نظیر ایالات متحده آمریکا نیز بیش‌ازپیش نفوذ نظامی پکن در منطقه را کاهش داده است. بر اساس شکل (۳) پایگاه‌های نظامی واشنگتن سراسر منطقه خاورمیانه را محاصره کرده‌اند. این درحالی است که بر اساس شکل (۴) تنها زیرساخت نظامی رسمی چین در منطقه پایگاه نظامی دومنظوره جیبوتی است که در مقابل زیرساخت‌های نظامی قدرت‌های غربی ظرفیت‌های کمتری جهت پشتیبانی از عملیات گسترده نظامی مرسوم در منطقه را فراهم می‌کند.



شکل (۳): پایگاه‌های نظامی ارتش ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه

(Source: Reuters, 2024)



شکل (۴): پایگاه نظامی ارتش چین در جیبوتی

(Source: economist, 2023)

۴-۳-۲. ژئواکونومیک: رویکردی برای نقض معادله معامله برد-برد

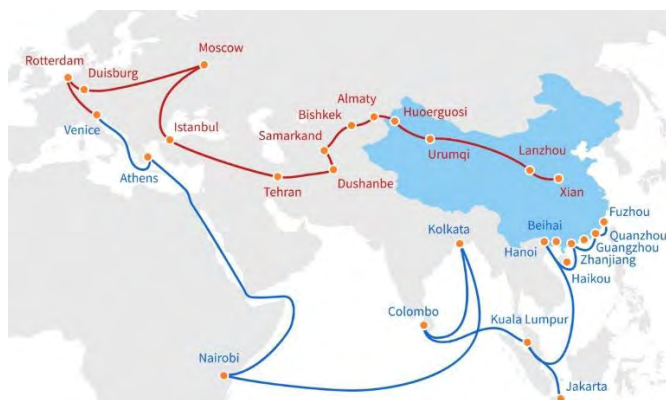
حزب کمونیست با هوشمندی تمام برای سالیان طولانی مجموعه وسیعی از تبلیغات همه‌جانبه را جهت کاهش چین هراسی و زدودن تهدیدانگاری از رفتارهای اقتصادی خویش آغاز کرد. چنین تبلیغات پرزرق‌وبرقی، بسیاری از رهبران و حتی تحلیل‌گران را از تحولات زیرپوستی این ابتکارات بی توجه کرده است. با گذشت زمان شرکای دولتی و کارگزاران نظام‌های اقتصادی آنان متوجه آسیب‌های اقدامات اقتصادی پکن در کشورهای خود شده‌اند. در سطح داخلی سودگرایی افراطی در پرتو نقض معادله همکاری برد - برد و در بستر تحولات منطقه‌ای، معرفی بدیل‌های جایگزین و همسان با ابتکار راه ابریشم نوین نظیر پروژه عرب - مد از جمله مهم‌ترین محورهای امتناع نگرش ژئواکونومیکی پکن در خاورمیانه‌اند.

همکاری برد - برد، سود برد - برد و کلید واژه‌های جذابی از این قبیل در سال‌های اخیر با هدف جذب رهبران دولت‌های برخوردار از ظرفیت‌های ژئواکونومیکی در مسیر ابتکار کمربند و راه و سایر پروژه‌های اقتصادی مکرراً بر زبان رهبران چین جاری شده است. پاسخ مثبت این رهبران به پیشنهادهای وسوسه‌کننده پکن نیز با هدف جذب سرمایه‌های چینی و رونق بخش‌های گوناگون اقتصادی خویش رخ داده است. با این حال بررسی رفتارهای اقتصادی چین در برخی از کشورهای منطقه؛ حاکی از نقض زیرکانه معادله برد - برد با شرکای منطقه‌ای به دلیل سودگرایی افراطی این کشور است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ۸۹ درصد از پروژه‌های زیرساختی حمل‌ونقل با بودجه چین در ۳۴ کشور آسیایی و اروپایی به نهادهای چینی داده شده و سهم عمده قراردادهای کمربند و جاده نیز به شرکت‌های چینی اختصاص داده شده است (Dorsey, 2019:6). این نوع سوداگری خودخواهانه، حاصل شگرد زیرکانه چین مبنی بر تصاحب بیشتر سرمایه‌های کلان با سرمایه‌گذاری‌های پوششی در زیرساخت‌ها و صنایع کشورهای میزبان با هدف توسعه مقصد اما در نهایت به کام مبدأ یعنی چین است. سازوکار پکن جهت دستیابی به این هدف؛ ماهیت وجودی ابتکارات اقتصادی آن نظیر راه ابریشم نوین نیست؛ بلکه شگردی فریبنده است که در حاشیه پذیرش پیشنهادها همکاری اقتصادی از سوی شرکا رقم می‌خورد. در واقع فرایند پذیرش پروژه‌های اقتصادی چین نظیر راه ابریشم نوین به همراه خود الزامات و

مشوق‌های اقتصادی جانبی نظیر کسب معافیت گمرکی جهت واردات مواد و محصولات ارزان یا نیروی کار چینی را برای این کشور به ارمغان می‌آورد که در نگاه اول برای میزبان نویددهنده کسب سود و توسعه است؛ اما در بلندمدت و نگاهی کلان زمینه کسب فزاینده سود توسط چین و اثرات منفی بر نظام اقتصادی شرکا نظیر ضعف صنایع تولیدی و بیکاری نیروهای بومی را فراهم می‌کند. در حالی که صنایع نفت خاورمیانه از سرمایه‌گذاری و تجارت چین سود فراوان برده است، سایر مشاغل غیرنفتی (نساجی، کالاهای مصرفی و صنایع دستی) به دلیل واردات انبوه از چین به شدت آسیب دیده‌اند در نتیجه مقاومت فزاینده‌ای در برابر واردات از چین در کالاهای مصرفی وجود دارد که ۴۵ درصد از کل صادرات چین به منطقه را شکل می‌دهند؛ برای مثال می‌توان افزایش احساسات منفی علیه کالاهای چینی در ایران را حس کرد (Haghiri and Zaccara, 2023: 24). به عنوان مثال راید الاجاجی رئیس شرکت یونیکول تولیدکننده فولاد در خصوص نقش مخرب چین در بازار فولاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس گفت: صنایع فولاد به دلیل شیوه‌های تجاری چین در رنج هستند؛ اگر اقدامی از سوی شورا انجام نشود بسیاری از خطوط بسته خواهند شد و مشاغل از بین خواهند رفت (Gulfnews, 2017). در واقع معافیت‌های گمرکی و تجاری از قبل توافقات اقتصادی میان چین و این کشورها زمینه لازم جهت ورود بی‌رویه محصولات چینی با قیمت‌های پائین‌تر را فراهم می‌کند. این مسئله منجر به نارضایتی کارگزاران اقتصادی می‌شود؛ چرا که صنایع داخلی و نیروی کار بومی یارای مقابله با محصولات و نیروی کار چینی با مزیت نسبی را ندارند. در مثالی دیگر شهید کاردار رئیس سابق بانک مرکزی پاکستان ضمن انتقاد از سیاست‌های اقتصادی چین در این کشور گفت "چینی‌ها نه تنها سیمان و فولاد خود را می‌آورند؛ بلکه نیروی کار خود را نیز می‌آورند (Dawn, 2017).

رقابت‌های منطقه‌ای بر سر کریدورهای اقتصادی میان قدرت‌های نوظهور در ابر منطقه آسیا؛ به نوبه خود کار را برای چین در خاورمیانه سخت کرده است. خاورمیانه در سپتامبر ۲۰۲۳ شاهد راه‌اندازی کریدور اقتصادی عرب - مد^۱ با مشارکت هند، آمریکا، عربستان سعودی و سران G20 بود. این ابتکار به شکلی آشکار پاسخی ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک از سوی هند به عنوان رقیب

قدیمی چین و ایالات متحده آمریکا جهت محدود کردن کمربند و راه پکن و تقویت نفوذ خود است. بر اساس شکل (۶) دو کریدور مجزا که در این ابتکار وظیفه اتصال بنادر هند به خلیج فارس و سپس بندر حیفای اروپا را بر عهده دارند عبارت‌اند از؛ کریدور شرقی که هند را به خلیج فارس وصل می‌کند و کریدور شمالی که خلیج فارس را از طریق بندر حیفای اروپا متصل می‌کند. این بندر اولین سنگر استراتژیک هند در خاورمیانه را مستحکم کرد و پایه و اساس ابتکار عرب - مد را بنا نهاد؛ زیرا به‌عنوان حلقه اصلی تسهیل‌کننده اتصال بین کریدورهای شرقی و شمالی آن عمل می‌کند (Das, 2024:11). براین اساس در ژانویه ۲۰۲۳ گوتام آدانی^۱ میلیاردر هندی بندر استراتژیک حیفای را به مبلغ ۱,۲ میلیارد دلار خریداری کرد. اهمیت این بندر در افزایش اهمیت این کریدور در مقابل کمربند و راه چین آنگاه افزایش می‌یابد که وابستگی‌ها به کانال سوئز را کاهش داده و نقشه ژئواکونومیک منطقه را به نفع شرکا با استفاده از بندر حیفای ضمن دورزدن تنگه باب‌المندب و دریای سرخ در مواقع بحرانی رقم می‌زند. این در حالی است که چین تاکنون حداقل ۲۰ میلیارد دلار در پروژه‌های مختلف در امتداد آبراه شریانی مصر سرمایه‌گذاری کرده است (Reuters, 2024). از سوی دیگر این پروژه برخلاف ابهاماتی که کمربند و راه در حوزه اثرات منفی زیست‌محیطی داشته؛ تأکید زیادی بر اهمیت تأثیرات زیست‌محیطی و توسعه پایدار دارد (Times of India, 2023). در کنار این مسائل کندی نرخ رشد اقتصادی چین پس از همه‌گیری کرونا؛ منجر به کاهش سرعت در پیشبرد بسیاری از پروژه‌های زیرساختی و جانبی کمربند و راه شده است. افزون بر آن محدودیت‌های ژئوپلیتیک نظیر عدم یکسانی جغرافیایی و توپوگرافی کشورها در مسیر طراحی شده، گستره جغرافیایی بسیار وسیع و عوامل مختلف اقلیمی نظیر پوشش گیاهی و... از جمله موانع دیگر بر سر مسیر توسعه راه ابریشم نوین چین است (Nurali and Ahmadi, 2021). از این رو به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه‌چندان دور کریدور عرب - مد جدی برای جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک شی در منطقه خاورمیانه باشد.



شکل (۵): مسیر زمینی (رنگ قرمز) و دریایی (رنگ آبی) راه ابریشم نوین چین

(Source: Travelweekly Asia, 2018)



شکل (۶): نقشه کریدور عرب - مد

(Source: Scmp, 2023)

افزایش بدهی‌های خارجی برخی از کشورهای منطقه به چین نیز؛ خطر تله بدهی پیش‌بینی شده را افزایش داده است. بنابر یک گزارش پاکستان و جیبوتی در میان هشت کشور با بالاترین بدهی ناشی از پرداخت وام‌های چین در خلال ابتکار کمربند و راه هستند (CNBC, 2018). چینی‌ها تا به اکنون حدود ۱۲,۴ میلیارد دلار در جیبوتی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. افزایش بدهی‌های مالی و کاهش توانایی بازپرداخت آن‌ها بستری برای تسلط بیش‌ازپیش چین بر دارایی‌های اقتصادی و صنایع اصلی کشورهای بدهکار خواهد بود. به‌عنوان مثال گزارش سنای پاکستان نیز که بارها از

سیاست‌های تجاری چین انتقاد کرده است به این پیش‌بینی منتج شده است که چین در ۴ دهه آینده ۹۱ درصد از درآمدهای حاصله از بندر گوادر را به دست خواهد آورد (Dorsey, 2019: 183-184).

۳-۳-۴. ژئوکالچر؛ رویکردی پرهزینه اما با اثرات محدود

مسئله قدرت نرم و استفاده از ظرفیت‌های مؤثر آن برای ترسیم تصاویری جذاب از ابعاد گوناگون فرهنگ و دیگر منابع آن، همگام با خیزش اقتصادی چین؛ یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری رهبرانی چون هو جین تائو و شی جین پینگ بوده است. در اهمیت این مسئله شی جین پینگ رهبر فعلی چین تأکید کرد که "ما باید قدرت نرم چین را افزایش دهیم، روایت خوبی از چین ارائه دهیم و پیام چین را به جهان منتقل کنیم (Yellnik and Leble, 2020: 19). چین برای رسیدن به این اهداف ضمن استفاده از ابزارهای متنوع فرهنگی، سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار هزینه می‌کند. بخشی از این هزینه‌ها صرف فعالیت‌های فرهنگی متنوع این کشور در خاورمیانه می‌شود. علی‌رغم دستاوردهایی که پکن در سالیان اخیر با این سرمایه‌گذاری‌ها به دست آورده؛ همچنان موانعی بر سر افزایش یا حتی حفظ نفوذ فرهنگی این کشور در منطقه خاورمیانه وجود دارد. ماهیت برخی از این موانع متأثر از نحوه اقدام و کاربرد منابع قدرت نرم از سوی دولت چین است و برخی نیز در بستر تاریخی و تعارض آداب فرهنگی، مذهبی و به‌طور کلی جهان‌بینی مردمان منطقه شکل گرفته است. ماهیت اقتدارگرایانه و غیردموکراتیک دولت چین الزاماتی چون کارگزاری دولت در همه زمینه‌های حکومت‌داری را به همراه می‌آورد. در این بستر توسعه و تعقیب نفوذ فرهنگی در سطح جهانی و منطقه‌ای نوعی رسالت و وظیفه صرف دولتی برای ارتقا چهره ملی محسوب می‌شود. در این فرایند به دو علت، ترسیم جذابیت‌های فرهنگی از حالت ارگانیک خارج و وضعیتی مکانیکی پیدا می‌کند؛ ۱. نقش طبیعی نهادهای غیردولتی - مردمی که ظرفیت‌های فزاینده‌تری جهت توسعه نفوذ فرهنگی یک ملت دارند به حاشیه رانده می‌شود ۲. غالباً نخبگان و رهبران دولت‌های اقتدارگرا با قاعده اجبار - پاداش هدف نفوذ فرهنگی قرار می‌گیرند. بر این اساس است که جوزف نای توسعه‌دهنده مفهوم قدرت نرم ادعا می‌کند قدرت نرم توانایی به‌دست آوردن آنچه می‌خواهید از طریق جذب است نه از طریق اجبار یا پاداش

(Nye, 2004). رفتار چین در منطقه خاورمیانه و برخی نتایج آن به‌خوبی گویای چنین وضعیتی است. وجود قربت‌های سیاسی نظام‌های اقتدارگرای خاورمیانه و چین در کنار سازوکار دولتی تعقیب قدرت نرم توسط پکن با قاعده اجبار و پاداش سه نتیجه عمده در پی داشته است؛ نخست، رهبران و صاحبان قدرت در خاورمیانه به علت اتفاق نظر و هم‌ذات‌پنداری با دولت چین بر سر ارزش‌های سیاسی چون اقتدارگرایی یا عدم‌دخالت در مسائل داخلی حکومت بیش از مردم خود که غالباً خواستار آزادی‌های سیاسی‌اند مجذوب جذابیت‌های فرهنگی پکن می‌شوند. دوم معامله‌ای نانوشته میان دولت چین و رهبران خاورمیانه شکل می‌گیرد که مبتنی بر قاعده اجبار - پاداش یا صریح‌تر معامله پول و سکوت است. سوم، اثر اعمال قدرت نرم بر مردم خاورمیانه از سوی دولت چین تحت‌تأثیر نتایج اول و دوم کاهش می‌یابد و حتی بالعکس موجب برانگیختن احساسات منفی علیه پکن می‌شود. در نهایت امر دیپلماسی عمومی چین با هدف جلب‌توجه مردمان منطقه کم‌اثر می‌شود. مسئله سرکوب اویغورهای مسلمان در شین کیانگ چین توسط حزب کمونیست به‌عنوان یکی از موانع مقبولیت فرهنگی این کشور در خاورمیانه، به خوبی تصدیق‌ی بر این مدعاست. مدیریت شورش‌های شین کیانگ در ژوئیه ۲۰۰۹ در حالی‌که تا حد زیادی توسط حاکمان عرب منطقه نادیده گرفته شد، از یک سو خشم نخست‌وزیر ترکیه رجب طیب اردوغان را برانگیخت تا این اقدام را نوعی نسل‌کشی بخواند و در ایران نیز موجب انتقاد روحانیون ارشد شد (Haghirian and Zaccara, 2023:13). در سال ۲۰۱۹ ۳۷ کشور شامل دولت‌های عرب منطقه از جمله عربستان سعودی، بحرین، عمان، کویت و قطر در نامه‌ای به سازمان ملل از سیاست‌های پکن علیه مسلمانان اویغور حمایت کردند. این در حالی است که جوامع مسلمان منطقه برخلاف حاکمان خود همواره نسبت به اقدامات چین در شین کیانگ نارضایتی خود را ابراز کرده‌اند. به‌عنوان مثال سرکوب اویغورها توسط چین هزاران ترک را در سال ۲۰۱۵ به خیابان‌ها کشاند (Doresy, 2019:194). علت چنین دوگانگی رفتاری در سطح مردمان و حاکمان کشورهای منطقه در سازوکار چین جهت توسعه نفوذ فرهنگی خود نهفته است. بسیاری از کشورهای عربی منطقه و در صدر آنان عربستان سعودی به‌عنوان مرکز جهان اسلام اهل تسنن همواره به خطر افتادن منافع اقتصادی، تجاری و بقا خود را به دلیل نارضایتی

چین بر حمایت از مسلمان در شین کیانگ ارجحیت داده‌اند. از این‌رو نتیجه سازوکار قهری استفاده چین از منابع نرم قدرت در منطقه خاورمیانه منجر به نتیجه‌ای دوگانه مبنی بر جذب حاکمان و برانگیختن نگرش منفی مردمان شده است. در ایران نیز به علت کاربست این سازوکار و در نتیجه ضعف دیپلماسی عمومی چین؛ شایعات بر سر قرارداد ۲۵ ساله نظیر فروختن ایران به چینی‌ها یا خشک شدن دریاچه ارومیه توسط آن‌ها به سرعت موجب برانگیختن احساسات منفی علیه دولت چین شده است.

در بستر تاریخی نیز ردپای پررنگ قدرت‌های غربی و سبقت آنان از چین در برقراری ارتباطات فرهنگی، مک دونالدیزه شدن فرهنگ در کنار ناشناختگی فرهنگ‌های شرقی در جوامع منطقه به دلیل قطع ارتباطات فرهنگی باستانی مابین تمدن چینی و تمدن‌های خاورمیانه‌ای بر اثر استعمار غربی از جمله دیگر موانع تعقیب نفوذ فرهنگی چین در منطقه است. اتحاد مفروض خاورمیانه با غرب نه تنها وابستگی مادی برای آن‌ها در زمینه تجهیزات نظامی، تکنولوژیکی و غذایی ایجاد کرد؛ بلکه آن‌ها را از نظر روانی نیز به آمریکا و اروپا وابسته کرد (Sevilla, 2019:3). این وابستگی‌ها در طول قرون اخیر تعمیق شده و کار را برای چین سخت کرده‌اند. بر اساس یک نظرسنجی ۸۴,۲۴ درصد از پاسخ‌دهندگان اماراتی ترجیح می‌دهند کشورشان قوی‌ترین روابط را با آمریکا در بین سه کشور روسیه، چین و آمریکا داشته باشد در صورتی که تنها ۱۳,۵ درصد چین را ترجیح می‌دهند (Zoubir, 2023:443). نتایج چنین نگرش‌های منفی در سطح افکار عمومی مردمان خاورمیانه به عرصه‌های مهاجرت و گردشگری نیز گسترش یافته است. در حوزه مهاجرت، جوانان خاورمیانه جهت ادامه تحصیل، اشتغال یا حتی مقاصد گردشگری غالباً کشورهای غربی را در صدر فهرست گزینه‌های خود قرار می‌دهند. کایل حداد فوندا محقق روابط چین و اعراب در حین تدریس در دانشگاهی در مراکش خاطرنشان کرد که دانشجویانش جهت ادامه تحصیلات خود در خارج از کشور ابتدا به آمریکا، فرانسه و کره جنوبی نگاه می‌کنند (Doresy, 2019:66). در ایران نیز وضعیت مشابهی حکم فرماست. در گزارش رصدخانه مهاجرت ایران برای سال ۱۴۰۰ آمده است که کشور آمریکا همواره مقصد اول دانشجویان ایرانی برای تحصیل در خارج از کشور بوده است در حالی که در میان ۱۰ مقصد اول دانشجویان ایران خبری

از کشورهای شرقی یا حتی کشور چین نیست (Khabar Online, 2021). کمبود بورسیه‌های دولت چین در مقطع ارشد برای دانشجویان منطقه این کم‌اقبالی را تشدید کرده است. ناشناختگی فرهنگی نیز تأثیر اساسی در وقوع این وضعیت داشته است. در واقع فرهنگ سنتی چین اگرچه برای کشورهای شمال‌شرقی و جنوب‌شرقی آسیا شناخته شده است؛ اما برای بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه ناآشنا باقی مانده است (Sevilla, 2019:6). این مسئله در فقدان وجود جهان‌بینی‌های مشترک دینی - مذهبی تشدید شده است. برای چین و کشورهای مسلمان منطقه دشوار است که نوعی همگرایی دینی را میان مردمان خود ایجاد کنند؛ چرا که رویکرد الحادی پکن نسبت به دین به‌سختی در خاورمیانه پذیرفتنی است. این تعارض منجر به تشدید اختلاف در آداب و عادات غذایی میان جوامع منطقه و چین شده است. پاندمی کرونا این شکاف را به‌خوبی نمایان کرد. بنا بر یک نظرسنجی از سوی مرکز خاورمیانه LSE که در امارات، عربستان، کویت، بحرین، مصر، عراق، الجزایر، اردن، لبنان، سوریه و یمن انجام شد؛ ۸۵ درصد از مشارکت‌کنندگان گزارش کردند که چین یا بسیار مسئول یا تا حدی مسئول شیوع ویروس کرونا است. بیش از ۵۰ درصد مشارکت‌کنندگان موافق بودند که کووید ۱۹ با انتخاب‌های غذایی در چین مانند خوردن برخی از حیوانات وحشی مرتبط است و هنگامی که از آن‌ها پرسیده شد آیا می‌خواهند برای اوقات فراغت از چین بازدید کنند ۳۱،۴۵ درصد پاسخ منفی دادند و ۱۹،۷۹ درصد نیز در مورد انجام این کار نگران و مردد بودند (Lse, 2021). از این‌رو با وجود اقدامات مؤثر و هزینه‌های فزاینده چین جهت افزایش مقبولیت فرهنگی خود در خاورمیانه؛ موانع فوق همچنان اثراتی منفی بر رویکرد ژئوکالچر آن دارد و تا حدی نیز موجب خنثی‌سازی و تعدیل اثرات مثبت ناشی از هزینه‌کردهای پکن در منطقه شده‌اند.

بدون شک چالش‌های پیشروی دولت چین در سه سطح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر، زایش و تکوین هرگونه نظم منطقه‌ای احتمالی در خاورمیانه را سخت خواهد کرد. برای سالیان طولانی رهبران و حزب کمونیست چین مفتخر بودند که با پایان یافتن منازعات ناشی از جنگ سرد؛ به حاشیه راندن سیاست‌گذاری‌های ژئوپلیتیک به نفع تعاملات فزاینده اقتصادی؛ مزیت نسبی آشکاری برای آنان در قیاس با استعمارگران غربی که همواره بر چکمه‌های سربازان خویش

جهت تأمین منافعشان در منطقه تکیه کرده بودند، به ارمغان خواهد آورد. با این حال گذر زمان منجر به تجدید حیات بسیاری از منازعات تاریخی - مذهبی در خاورمیانه شده است که مدیریت و حل آنان نیازمند ابتکاراتی در سطح سیاست اعلا و نه سفلا است.

۵. نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر جهت نیل به سه هدف اساسی به رشته تحریر درآمده است؛ نمایان ساختن سیر شکل‌گیری نگرش محیطی سیاست خاورمیانه‌ای پکن در دوران نوین مشتمل بر سطوح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر - استخراج سازوکار کاربرد، ابزارها و ظرفیت‌های موجود در هر سطح و کشف اساسی‌ترین محورهای امتناع در سطوح سه‌گانه فوق جهت تکوین نظم منطقه‌ای احتمالی. نتایج حاصل شده حاکی از آن است که سیاست خاورمیانه‌ای پکن در دوران ریاست شی جین پینگ به سطح بالایی از انسجام و هدفمندی رسیده است. در واقع چنین انسجامی بیش از هر چیز مرهون سیاست‌گذاری‌های خلاقانه دولت چین در سه سطح ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر با هدف گسترش و حفاظت از منافع روبه‌تزايد خویش در منطقه است. در سطح ژئوپلیتیک تعقیب دیپلماسی میانجی‌گرایانه، اتحاد و ائتلاف با کنشگران مهم منطقه‌ای چون ایران و افزایش ردپای نظامی در خلال بسیاری از بحران‌های منطقه چون جنگ سرد ایران و عربستان سعودی به شکلی نسبی منافع پکن را حفظ و گسترش داده است. در سطح ژئواکونومیک رشد روزافزون مبادلات انرژی، مالی و تجاری از یک‌سو و از سوی دیگر گسترش قراردادهای مشارکت جامع با دولت‌های منطقه، اعطا وام‌ها و کمک‌های مالی فاقد پیش‌شرط در پرتو ابرپروژه کمربند و راه سازه‌های اقتصادی منطقه خاورمیانه را به‌شدت به اقتصاد چین وابسته کرده است. در سطح نرم نیز خود برندسازی در قلب نگرش ژئوکالچر دولت شی قرار گرفته و با ظرفیت‌هایی چون نهادسازی فرهنگی - آموزشی، مبادلات علمی - گردشگری و گسترش رسانه‌های جمعی دنبال می‌شود. علی‌رغم وجود این ظرفیت‌های عظیم؛ دولت چین با محدودیت‌ها و نقایصی در سیاست خاورمیانه‌ای نوین خود مواجه شده است. با وجود آنکه ژئوپلیتیک در دوران شی جین پینگ در حال بازگشت به محور سیاست خارجی چین است؛ این کشور را با اساسی‌ترین محورهای امتناع در تکوین نظم منطقه‌ای مواجه کرده است. در واقع

تفریط این کشور در اصرار بر اصل عدم‌مداخله از دوران گذشته تاکنون، شرطی شدن نسبت به استفاده از مزایای امنیتی نظم منطقه‌ای غربی، تکیه بر دیپلماسی شبه‌میانجی‌گرایانه و محدودیت‌های نظامی و تمرکز فزاینده بر منازعه تایوان از اساسی‌ترین محورهای امتناع ژئوپلیتیکی پکن در خاورمیانه‌اند و تا حد زیادی این کشور را از حفاظت از منافع متکثر خود در منطقه و نقش سازنده و فعال در حل منازعات منطقه‌ای چون جنگ هفت اکتبر باز می‌دارند. در سطوح ژئواکونومیک و ژئوکالچر نیز نقایصی به چشم می‌خورند؛ اما استحکام و تمرکز چالش‌ها در سطح ژئوپلیتیک به مثابه پاشنه آشیل پکن در هرگونه تغییر یا انتقال نظم منطقه‌ای مطلوب عمل خواهد کرد. از این‌رو سیاست چین در خصوص احترام به حاکمیت و عدم‌مداخله نیاز به بازنگری دارد تا با تقاضای این کشور برای منافع استراتژیک از منطقه و موقعیت آن به‌عنوان یک قدرت جهانی مطابقت داشته باشد. در عین حال تغییر رویه در نگرش ژئوپلیتیک، خود بس چالشی عظیم‌تر خواهد بود؛ چرا که نقطه قوت پکن برای دهه‌ها سرمایه‌گذاری بر ابتکارات اقتصادی و فرهنگی ضمن پرهیز از جاه‌طلبی‌های سیاسی - امنیتی برای اجتناب از برانگیختن سوطن کشورهای منطقه و برباد رفتن دستاوردهای اقتصادی و فرهنگی بوده است.

۶. قدردانی

نگارندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه شیراز که در فرایند تحقیق و نگارش این مقاله حمایت‌های خود را از ما دریغ نکردند، کمال تشکر را داشته باشند.

References

1. Aghaei, D; Taheri, I (2016). "A Geoeconomic Explanation of the Regional Order of the Middle East and Central Asia in the World System", Central Eurasian Studies, No. 2, pp. 255-270. **[In Persian]**
2. Ansarifard, M; Haji-Yousefi, A.M (2021). "Challenges facing Iran's deterrence in the Middle East: from alliance to gray zone policy", Geopolitics Quarterly, 19(1). 96-130. **[In Persian]**
3. Atlanticcouncil. (2023). China is getting comfortable with the Gulf Cooperation Council. The West must pragmatically adapt to its growing regional influence. observed at: 2023/10/8 available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/china-is-getting-comfortable-with-the-gulf-cooperation-council-the-west-must-pragmatically-adapt-to-its-growing-regional-influence/>.
4. Atlanticcouncil. (2024). China is fixed on discrediting the US on Gaza War. But this policy lacks credibility and will likely fail, observed at: 2024/3/10 available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/china-gaza-hamas-israel-war/>.
5. Blackwill, R.D; Harris, J.M. (2016). War by other means: Geoeconomics and statecraft. Harvard University Press.
6. Burton, G. (2021). China's three level game in the Middle East. Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 15(2), 189-204.
7. China's State Council. (2016). Full text of China's Arab Policy Paper, observed at: 2024/3/3, available at: https://english.www.gov.cn/archive/publications/2016/01/13/content_281475271412746.htm.
8. Chinadaily. (2016). President Xi's Speech at Arab League Headquarters: Full Text, observed at 2024/1/3 available at: https://www.chinadaily.com.cn/world/2016xivisitmiddleeast/2016-01/22/content_23191229.htm.
9. Chinaobservers. (2024). China's Cautious Response to the Red Sea Crisis, observed at: 2024/2/6 available at: <https://chinaobservers.eu/chinas-cautious-response-to-the-red-sea-crisis/>.
10. CNBC. (2018). China's mammoth Belt and Road Initiative could increase debt risk for 8 countries, observed at: 2023/9/15 available at: <https://www.cnbc.com/2018/03/05/chinas-belt-and-road-initiative-raises-debt-risks-in-8-nations.html>.
11. Csurgai, G. (2017). The increasing importance of geoeconomics in power rivalries in the twenty-first century. Geopolitics, 23(1), 38-46.
12. Das, D. (2024). Revisiting the contours of the evolving Middle Eastern order through the India-Middle East-EU Corridor: mapping India's scopes and limitations. Asian Journal of Political Science, 1-22.
13. Dawn. (2017). Understanding CPEC, observed at: 2023/9/15 available at: <https://www.dawn.com/news/1345741>.

14. Dorsey, J.M (2018). China and the Middle East: venturing into the maelstrom. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11(1), 1-14.
15. Dorsey, J.M. (2019). China and the Middle East: venturing into the maelstrom. In *Research Handbook on the Belt and Road Initiative*. Switzerland: Palgrave Macmillan.
16. Economist. (2022). China wants to increase its military presence abroad. observed at: 2023/6/12 available at: <https://www.economist.com/china/2022/05/05/china-wants-to-increase-its-military-presence-abroad>.
17. Ehteshami, A; Horesh, N. (2020). *How China's rise is changing the Middle East*. New York: Routledge.
18. Ezzati, E (2005). *Goeconomy of energy and its consequences on the three countries of Iran, Pakistan and India*. Tehran: Bureau of Political and International Studies. **[In Persian]**
19. Fallahi, E; Omid, A; Yazdani, I (2019). "Conceptual evolution of Chinese nationalism and its impact on development oriented foreign policy", *Geopolitics Quarterly*, 18(1)115-149. **[In Persian]**
20. Fathi, M.J; Rahimi Ayouzi, M; Pirani, Sh (2021). "The prospect of America's withdrawal from West Asia in the light of regional strategic policy", *Geopolitics Quarterly*, 18(2). 224-174. **[In Persian]**
21. Ghasemi, F (2007). Deterrence Model of Iran's Foreign Policy: a Theoretical Approach. *Geopolitics Quarterly*, Vol.3,No.1.pp.97-127. **[In Persian]**
22. Gulfnews. (2017). GCC must take protectionist stance against cheap China steel: Unicoil President, observed at: 2023/10/6 available at: <https://gulfnews.com/business/property/gcc-must-take-protectionist-stance-against-cheap-china-steel-unicoil-president-1.2101529>.
23. Haghiri, M; Zaccara, L. (Eds.). (2023). *China's economic and political presence in the Middle East and South Asia*. New York: Routledge.
24. Houghton, B. (2022). China's balancing strategy between Saudi Arabia and Iran: the view from Riyadh. *Asian Affairs*, 53(1), 124-144.
25. Khabar online (2021). There is no place for eastern countries; What are the top 10 destinations of Iranian students?, observed at: 6/2/2023, available at: B2n.ir/j75405. **[In Persian]**
26. Khaleejtimes. (2023). We learned 'speed at work' from China: Sheikh Mohammed tweets in Chinese; shares rare video clip, observed at: 2024/1/3 available at: <https://www.khaleejtimes.com/uae/we-learned-speed-at-work-from-china-sheikh-mohammed-tweets-in-chinese-shares-rare-video-clip>.
27. Li, Q; Ye, M. (2019). China's emerging partnership network: what, who, where, when and why. *International Trade, Politics and Development*, 3(2), 66-81.
28. Lse. (2021). Arab Perceptions of China During the Covid-19 Pandemic: Insights from the UAE, observed at: 2023/1/2 available at: <https://blogs.lse.ac>.

- uk/mec/2021/05/19/arab-perceptions-of-china-during-the-covid-19-pandemic-insights-from-the-uae/.
29. Ma, L. (2010). China's Cultural and Public Diplomacy to Countries in the Middle East. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia)*, 4(2), 32-43.
 30. Morgan, P.M. (2002), regional security systems and regional orders, translated by Seyyed Jalal Dehghani Firouzabadi, first edition, Tehran: Research Center for Strategic Studies. **[In Persian]**
 31. Murphy, D.C (2022). China's rise in the Global South: the Middle East, Africa, and Beijing's alternative world order. California: Stanford University Press.
 32. Nazarzadeh, H; Bakhshaish Ardestani, A; Tohidfam, M; Metabli, M (2023). "Iran's position in China's foreign policy in the light of its Middle East policy", *Geopolitics Quarterly*, 20(1). 169-192. **[In Persian]**
 33. Nurali, H; Ahmadi, S.A (2021). "Representation of geopolitical challenges facing China's Belt and Road initiative", *Geopolitics Quarterly*, 18(2). 1-34. **[In Persian]**
 34. Nye, J.S (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. New York: Public affairs.
 35. Palestinechronicle. (2018). Xi Pledges US\$15 Million in Aid to Palestine at China-Arab States Cooperation Forum, observed at: 2024/3/8 available at: <https://www.palestinechronicle.com/xi-pledges-us15-million-in-aid-to-palestine/>.
 36. Persian Epoch Times (2023). Taiwan: China is increasing the war in the gray zone to eliminate Taiwan, observed at: 12/3/2023, available at: <https://persianepochtimes.com/china-is-increasing-the-war-in-the-grey-zone-to-eliminate-taiwan/>. **[In Persian]**
 37. Persian Epoch Times (2023). Signing of a memorandum of understanding between China and a company affiliated with Hashd al-Shaabi of Iraq, observed at: 3/17/2023, available at: <https://persianepochtimes.com/memorandum-of-understanding-between-china-and-the-popular-mobilization-forces/>. **[In Persian]**
 38. PWC. (2022). Report on Chinese Investors' Confidence in the Middle East. observed at: 2024/2/10, available at: <https://www.pwc.com/m1/en/publications/report-on-chinese-investors-confidence-in-the-middle-east.html>
 39. Rahman, M. M., & Al-Azm, A. (2023). *Social Change in the Gulf Region: Multidisciplinary Perspectives*. Singapore: Springer Nature.
 40. Reuters. (2024). Explainer: Houthi attacks expose China's commercial stakes in Red Sea, observed at: 2024/1/15 available at: <https://www.reuters.com/world/middle-east/houthi-attacks-expose-chinas-commercial-stakes-red-sea-2024-01-15/>.
 41. Reuters. (2024). Israel says 'deeply disappointed' over lack of China

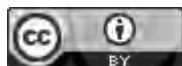
- condemnation of Hamas attack, observed at: 2024/3/6 available at: <https://www.reuters.com/world/israel-says-deeply-disappointed-over-lack-china-condemnation-hamas-attack-2023-10-13/>.
42. Reuters. (2024). Why U.S. troops are in the Middle East. observed at: 2024/2/8 available at: <https://www.reuters.com/world/middle-east/what-are-us-troops-doing-middle-east-where-are-they-2024-01-30/>.
43. Saleh, A; Yazdanshenas, Z. (2023). China-Iran strategic partnership and the future of US hegemony in the Persian Gulf Region. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1-24.
44. Sas.upenn.edu. (2023). Routes Silk Road. observed at: 2024/1/8 available at: <https://www.sas.upenn.edu/%7Edludden/EarlyIslamRoutes.jpg>.
45. Scmp. (2023). Why India's new US-backed trade corridor to Europe is no 'anti-China project' for the Middle East, observed at: 2024/1/2 available at: <https://www.scmp.com/week-asia/economics/article/3235497/why-indias-new-us-backed-trade-corridor-europe-no-anti-china-project-middle-east>.
46. Scmp. (2024). Middle East investments in China to bloom in amount, scope in 2024 as sovereign wealth funds aim to diversify: bankers. observed at: 2024/3/14 available at: <https://www.scmp.com/business/banking-finance/article/3248475/middle-east-investments-china-bloom-amount-scope-2024-sovereign-wealth-funds-aim-diversify-bankers>.
47. Sevilla, H.A (2019). The turbulent Middle East: analysing security issues facing China's belt and road initiative towards the region. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 13(2), 195-210.
48. Stewart-Ingersoll, R; Frazier, D. (2012). *Regional powers and security orders: a theoretical framework*. Singapore: Springer Nature.
49. Times of India. (2023). India-Middle East-Europe Corridor Announced; PM Stresses On Respect For Territorial Integrity In Connectivity Projects, observed at: 2023/10/15 available at: [B2n.ir/q25110](https://www.b2n.ir/q25110).
50. Travelweekly Asia. (2018). Thailand happy to travel on China's Belt and Road. observed at: 2022/4/15 available at: <https://www.travelweekly-asia.com/Destination-Travel/Thailand-happy-to-travel-on-China-s-Belt-and-Road>.
51. Wu, B. (2021). China and New Middle East. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 23(3), 443-457.
52. Xinhuanet. (2018). In pics: China-UAE Industrial Capacity Cooperation Demonstration Zone, observed at: 2024/3/8 available at: http://www.Xinhuanet.com/english/2018-07/19/c_137334817_2.htm.
53. Xinhuanet. (2023). First Chinese cultural center in Gulf region starts trial run in Kuwait, , observed at: 2024/1/3 available at: <https://english.news.cn/2023/09/18/3f61ee6e96ed461d99c424e304af8e7c/c.html>.
54. Yellinek, R; Mann, Y; Lebel, U. (2021). Chinese 'Soft Power Pipelines

Diffusion'(SPPD) to the Middle Eastern Arab Countries 2000-2018: A Discursive-Institutional Study. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 48(5), 941-959.

55. Yildirimcakar, E; Han, Z. (2022). China's soft power strategy in the Middle East. *Israel Affairs*, 28(2), 199-207.
56. Zoubir, Y.H. (Ed.). (2023). *Routledge Companion to China and the Middle East and North Africa*. New York: Routledge.
-

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی